

مکتب آشیقی اورمیه

علی آردی

ایمیل:

چکیده:

ali.urman52@gmail.com

در این مقاله ابتدا به سنت آشیقی در آذربایجان پرداخته سپس درباره موسیقی و شعر مکتب آذربایجان صحبت می شود. اورمیه در بین محیط های آشیقی آناتولی و آذربایجانی، دارای یک مکتب بسیار قدیمی و ریشه دار از آشیقی است که هنوز هم در قالب سنت اوزان-آشیق و رابطه استاد و شاگردی ادامه دارد. در این مقاله درباره شیوه اجرا، داستانها، موسیقی ها و اشعار آشیق های اورمیه صحبت می گردد.

وابستگی:

محقق و مترجم

کلمات کلیدی: آشیق، آذربایجان، اورمیه

استناد (آپا):

آردی، ع. مکتب آشیقی اورمیه. اورمیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" سال ۰۲، شماره ۰۵،

پاییز ۱۴۰۳. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

The Ashiq Style of Urmia

Ali Ardi (Urman)

Email:

ali.urman52@gmail.com

Affiliation:

Researcher and Translator

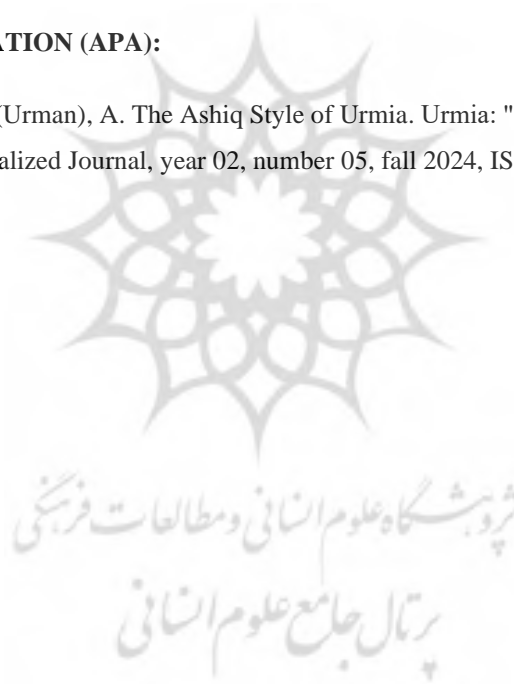
Abstract:

This article begins by discusses the Ashiq tradition in Azerbaijan, then It discusses the Azerbaijani music and poetry school. Among the Anatolian and Azerbaijani Ashiq environments, Urmia has a very old and deep-rooted school of Ashiq that still continues in the form of the Ozan-Ashiq tradition and the master-student relationship. This article discusses the performance style, stories, music, and poems of the Ashiqs of Urmia.

Keywords: Ashiq, Azerbaijan, Urmia

CITATION (APA):

Ardi (Urman), A. The Ashiq Style of Urmia. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 02, number 05, fall 2024, ISSN: 3041-8690.



Urmiya Aşıq Məktəbi

Əli Ardi (Urman)

E-poçt:

ali.urman52@gmail.com

Mənsubiyyət:

Tədqiqatçı və tərcüməçi

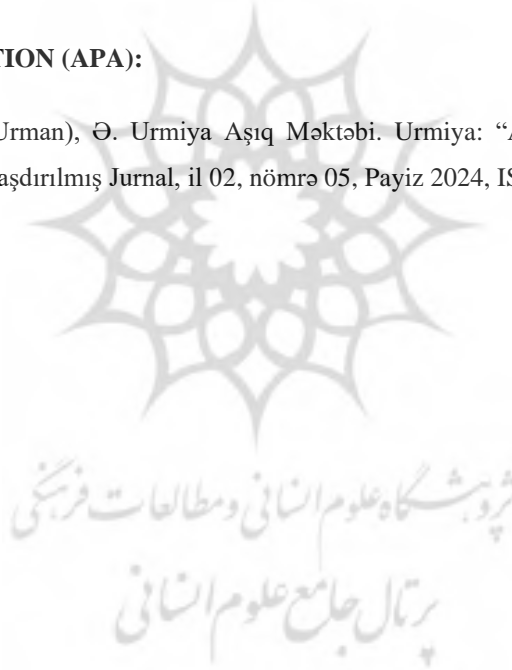
Xülasə:

Bu yazıda əvvəlcə Azərbaycandakı aşıqlıq ənənəsindən, daha sonra Azərbaycan aşıq məktəbinin musiqi və poeziyasından danışılacaqdır. Urmiyada Anadolu və Azərbaycan aşıq mühitləri arasında ozan-aşıq ənənəsi və ustad-şagird münasibəti şəkildə hələ də davam edən çox qədim və köklü bir aşıq məktəbi var. Bu yazıda Urmiya aşıqlarının ifası, dastanları, musiqisi və şeirlərindən bəhs edilir.

Açar sözlər: Aşıq, Azərbaycan, Urmiya

CITATION (APA):

Ardi (Urman), Ə. Urmiya Aşıq Məktəbi. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 02, nömrə 05, Payız 2024, ISSN: 3041-8690.



Urmiye Âşık Ekolü

Ali Ardı (Urman)

E-posta:

ali.urman52@gmail.com

Üyelik:

Araştırmacı ve çevirmen

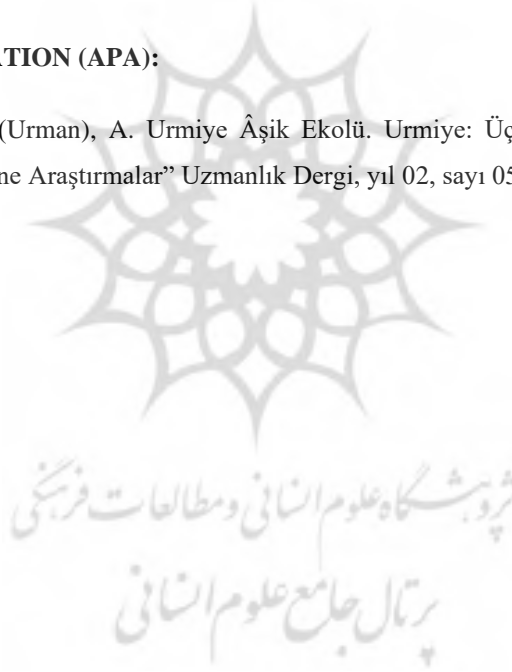
Özet:

Bu makalede öncelikle Azerbaycan'daki âşıklık geleneğinden bahsedilecek, daha sonra Azerbaycan ekolünün müziği ve şiiri ele alınacaktır. Anadolu ve Azerbaycan Âşık çevreleri arasında yer alan Urmiye'de ozan-âşık geleneği ve usta-çırak ilişkisi şeklinde halen devam eden çok eski ve köklü bir Âşık ekolü bulunmaktadır. Bu makalede Urmiye âşıklarının icrası, hikâyeleri, müziği ve şiirlerinden bahsedilmektedir.

Anahtar kelimeler: Âşık, Azerbaycan, Urmiye

CITATION (APA):

Ardı (Urman), A. Urmiye Âşık Ekolü. Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 02, sayı 05, Sonbahar 2024, ISSN: 3041-8690.



پیشگفتار

واژه آشیق که در زبان ترکی به معنای "نور" و در عربی به معنی "عشق و قلب" است به شاعرانی گفته می شد که در گذشته اشعار اسلامی را تفسیر می کردند. گرچه این واژه برای اولین بار از این طریق پدید آمد، اما بعد ها استفاده از آن برای همه شاعران آغاز شد، از جمله شاعران دیگری غیر از کسانی که اشعار اسلامی را می خواندند. ولد چلبی می گوید که کلمات "اشق" و "آشیق" از واژه ترکی "ایشیق" آمده است. احمد طلعت استدلال می کند که کلمه "عاشق" به معنی "کسی است که قلبش از عشق می سوزد و قلبش با عشق روشن می شود" (دیزدار اوغلو، ۱۹۶۹: ۸۵).

اگر چه بیشتر محققان، نام "آشیق" را از واژه عربی "عشق-عاشق" می دانند. برخی از محققان مانند و. آ. گوردلوسکی معتقدند که نام "آشیق" از "ایشیق" است که در ترکی به معنای آتش است و عبارات آشیق، ترکیبی از آن و عاشق به معنای "مشتعل با عشق الهی" در عربی می باشد. به گفته م.ح. طهماسب، "آشیق" نه کلمه "عاشق" در عربی، بلکه به کلمه آشوله "Aşule" و آشیلماق "Aşılmaq" (الهام بخشیدن، دمیدن، القا کردن) مربوط است، که در ترکی قدیمی به معنی آهنگ و نغمه بود. ارامنه نیز ادعا می کنند که کلمه "آشیق" از عبارات "Asag-Asug"، که در زبان ارمنی به معنای شاعر و خواننده، سرچشمه می گیرد (قاسیملی، ۲۰۰۶: ۲۰۱).

در این نوشته برای متمایز کردن هنرمندان این سنت، از کلمه "عاشق" که در عربی، فارسی و ترکی آذربایجانی معنی خاص خود را دارد، از فرم نوشتاری "آشیق" استفاده شده است.

مکتب آشیقی ارومیه در فهرست میراث فرهنگی ناملموس کشور با شماره ۱۶۵ به ثبت رسیده و ترنم ماندگاری هنر اصیلی است که فرهنگ دیرینه آذربایجان را با ساز و سخن از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است.

کلیات در باره سنت آشیقی

سنت آشیقی بخشی مهمی از سرمایه های فرهنگی ما را تشکیل می دهد. آشیقی سنتی است که طی سالها تجربه، با آیین اجرای خاص خود، ساختار مبتنی بر سنت و قوانینی شکل گرفته است که برای آشیق شدن و حفظ آشیقی باید رعایت شود. این سنت که اوزان-باخشی^۱ یا سنت دستان نامیده می شد، پس از پذیرش اسلام در چهارچوب فرهنگی و شرایط جدید، همراه با نوع جدیدی از اجرا، تغییر یافته و رشد کرده، که حاصل آن سنت آشیقی است. این مجری ها که "آشیق" نامیده می شوند، عهده دار نقش های زیادی را در زندگی جوامع بوده اند: شاعر، آهنگساز، بازیگر، کارگردان. آشیق ها سنت شعری و حتی ادبی

^۱ بخشی یا باخشی (در ترکمنی: باغشی: Bagşy) لقبی است که به برخی از نوازندگان دوتار در شمال خراسان و ترکمن صحرا داده می شود. بخشی ها نوازندگان دوتار، آوازخوان، داستانگو، سراینده و نوازنده ساز (دوتار) هستند. اصلی ترین مراکز بخشی ها قوچان، بجنورد، شیروان، درگز و اسفراین است.

خاص خود را آفریده اند. برای شناخت و بررسی کافی سنت آشیقی، به همکاری موسیقی دانان و هم مورخان هنر نیاز است. " در قرن پانزدهم و شانزدهم سنت و ادبیات آشیقی مانند ادبیات عامیانه مذهبی - عرفانی هنوز از ادبیات طبقه ممتاز جامعه جدا نشده بود. ادبیات آشیقی از قرن شانزدهم به منابع مکتوب منتقل شده است. تا قرن شانزدهم ادبیات آشیقی نتوانسته بود زیرساخت های جدی برای خود فراهم کند و خطوط اصلی سنت را معین کند. پس از این قرن، سنت آشیقی شروع به کسب ارزش های اسلامی و صوفیانه کرد، و به طور خاص به طریقت ها و خانقاه ها تقسیم شد. سنت های آشیقی، از قرن های ۱۵-۱۶ در فرهنگ آذربایجان ریشه دوانده است، اما اصطلاح "اشیق" همان معنایی را که امروز درک می کنیم، نداشت.

سنت آشیقی از قرن پانزدهم تا امروز، پربرترین دوره خود را در قرن نوزدهم گذرانده است. در این قرن، بسیاری از عاشقان مشهور هم در آناتولی و هم در آذربایجان پرورش یافته اند. در خواب دیدن یک پیر یا درویش و نوشیدن "باده" از دست او، ویژه سنت آشیقی این قرن است. سنت باده و یا موضوع روایا، معنای عرفانی و توانایی های خارق العاده ای به عاشق می بخشد. به این آشیق ها "حق آشیقی" می گویند. موضوع رؤیا و یاده از دست پیر اغلب در ادبیات و داستانهای عامیانه ترک دیده می شود و به دوران بسیار قدیمی برمی گردد و سنتی در ادبیات آشیق ها بوده و موضوع حقیقت داشتن یا نداشتن آن مورد بحث نیست. از آنجا که معنی لغوی باده، شراب است. بعضی اوقات، برای احترام به ارزشهای اسلامی، در فرم آب، سیب، انار، اسب و غیره نیز دیده می شود. پس از این روایا، به شخص نام مستعار یا تخلص و توانایی آشیقی و همچنین جمال معشوق نشان داده می شود.

در تاریخ ادبیات ترکی آذربایجان، اساس یکی شدن سبک شعر کلاسیک و شعر سبک آشیقی از شاه اسماعیل ختایی آغاز می شود. این در هنر وی به طوری قطعی دیده شده و هر چه بیشتر شکل سنتی در می گرفت. پدربزرگ شاه اسماعیل ختایی شیخ جنید و پدرش شیخ حیدر در قرون ۱۵-۱۶، خانقاه های صوفی-درویش را در دربند و اطراف آن تأسیس کردند و در این راه به شهادت رسیدند، در مراحل بعدی کمک زیادی به محیط معنوی-عرفانی منطقه کردند. "قیرخ لار پیری" که امروزه به عنوان مکان بازدید در دربند است و مقدس شناخته می شود، یک خانقاه درویشی متعلق به سیستم صوفی-درویش در قرون وسطی است. این خانقاه با اصطلاح "قیرخ لار" (چهل تنان) پیوند خورده است که در "دستان" های قرون میانه به یک نماد معمول در تصوف تبدیل شد.

اصطلاح "قیرخلار" در ابیاتی مانند "صدقیمی باغلا دیم قیرخ لار پیرینه" و یا "قیرخ لار مجلسیندن باده ایچمیشم" از "قیرخ لار پیری" به عنوان کانون صوفی-درویشی، ریشه می گیرد. طبق اعتقاد علوی ها مجلس چهل نفر به رهبری حضرت علی را مجلس "قیرخ لار" می نامند.

سینه مین باشینا، حقدن یول گلیر

درده آلیشمیشام، دوزو سئچمیشم

.....

سۆزوم ائل لرین مالیدیر

تانری هر ایشدن حالیدیر

اهل حالار آراسیندا

نصیب قیرخ لارین قولودور

(آشیق نصیب)

محصولات ادبیات آشیقی ایران را می توان اوج سنت آشیقی ترکی امروز ارزیابی کرد. دلیل این امر مقبولیت توده ای سنت آشیقی، به عنوان وسیله ای برای تداوم فرهنگی در ایران است. این سنت ادامه سنت اوزان/باخشی است که از قدیم الایام در بین ترکان موجود بوده است. از نظر فراوانی آشیق های استاد و فراوانی و تنوع محصولات ادبیات آشیقی، ایران می تواند کانون این سنت در جهان ترک قلمداد شود. سنت اوزان در دوره شامانیسم ترکان، پس از مسلمان شدن آنها به سنت آشیقی تبدیل شد و با تأثیرپذیری از اسلام بعد صوفیانه یافت. در بررسی آثار ادبیات شفاهی منطقه ارومیه، مشاهده می شود که از جوه دین، خدا و اعتقاد، در آثار تولید شده، بسیار استفاده شده است. یکی از دلایل اصلی این امر این است که حکومت های ایران بر اساس اسلام بنا شده اند و این امر مانند همه زمینه های زندگی، به نوبه خود بر فضای هنر و ادبیات نیز تأثیر گذاشته است. ظرافت جدایی سنت اوزان و آشیق از یکدیگر نیز در این نکته است.

ایران با داشتن هفت محیط آشیقی و بیش از دوهزار آشیق در حال حاضر، یکی از کانون های مهم و اصلی این سنت قدیمی ترکی است.

آشیق ها در حفظ زبان ترکی که از آغاز حکومت توتالیتیر پهلوی ها، از داشتن ارگان های رسانه ای محروم بود، نقش بسزایی داشته اند. آشیق ها هر جا که ترک ها بودند، با خواندن شعرهای ترکی، روایت داستان های آشیقی و آواز خوانی و ساز نوازی، جای مطبوعات را پر کرده و بدین ترتیب زمینه توسعه ادبیات شفاهی در ایران و بقای آگاهی ترکان را هموار می کردند. در ایران، خدمات آشیق ها با داشتن نقش مستقیم در انتقال هویت ملی از نسلی به نسل دیگر و در عین حال زنده نگاه داشتن آن در ناخودآگاه اجتماعی، به شرح زیر است:

• خدمت به زبان ترکی

• کمک به ادبیات ترکی

• کمک به ایمان

• خدمت به فرهنگ موسیقی

• توسعه آگاهی از ملیت دوستی

* توسعه آگاهی از میهن پرستی

* توسعه آگاهی از آزادی و استقلال

* توسعه شعور تاریخی

* سهیم شدن در رشد شجاعت

از زبان آشیق علسگر:

آشیق اولوب ترک وطن اولانین	ازل باشندان پرکمالی گرکدیر
اوتوروب، دورماقدا ادبین بیله	معرفت علمیندن دولو گرکدیر
خلقه حقیقتدن مطلب قاندیرا	شیطانی اؤلدوره، نفسی یاندیرا
ائل ایچینده پاک اوتورا، پاک دورا	دالیسیجا خوش صدالی گرکدیر

همانند همه آشیق های جهان ترک، آشیق های ایران نیز، ضمن رعایت ارزشهای جامعه مانند عرف، عادت، تعامل، رسوم، آداب و سنن، وظیفه خطیر محافظت از هنجارهای اجتماعی انجام می دهند. حفظ ارزش های اجتماعی از یک جنبه به معنای حفاظت از هویت ملی است. آشیق ها مانند مربیان، حافظان سنت و مروجین اخلاق در جامعه، یکپارچگی یا اتحاد فرد و جامعه را به روشی متعادل تامین می کنند. همانطور که معلوم است، حرفه آشیقی قانون مکتوبی ندارد. اما آشیق ها مطابق با خواسته ها و انتظارات مردم، نوعی رهبر عقیدتی هستند. آشیق در مراسم عروسی ها تقریباً نقش اساسی داشته و در روستا ها هنوز هم دارد. آشیق ها در مناسبت هایی مانند عروسی، ختنه ها، اعیاد، مراسم ها، نامزدی ها، تولد ها و نیز در اجراهای قهوه خانه ای، این شانس را دارند که به یک پایگاه گسترده اجتماعی متوسل شده، نه تنها مخاطبان را سرگرم کنند، بلکه وظیفه آگاهی بخشی و حتی ایجاد ادراک جمعی را به عهده گیرند. در فقدان نهاد های مطبوعاتی مؤثر در ایران برای زنده نگه داشتن فرهنگ ترکان و در نتیجه هویت آنان، آشیق ها با زنده نگه داشتن هویت ملی ترکی و محافظت از آن در برابر تأثیرات خارجی محلی یا جهانی عمل می کنند. فعالیت های اجتماعی و نمایش های انجام شده توسط آشیق ها با استقبال و ذینفعی مشترک جامعه، مانع از نابودی هویت ترکی در ایران می شود. این وضعیت نه تنها وظایف آنها را سنگین تر می کند، بلکه اهمیت شان را نیز افزایش می دهد. به عنوان بازتاب این امر، تقریباً در هر جامعه ترکی در سراسر ایران، از قشقای گرافته تا ترکمن، از ترک آذربایجان گرفته تا شاهسون، آشیق ها هنوز هم پرورش می یابند و مورد احترام مردم و نخبگان هستند.

در این میان محیط آشیقی ارومیه با ویژگی هایش در آهنگها و نحوه اجرا و ادبیات خاص خود، مقامی جداگانه دارد که موضوع این مقاله خواهد بود.

سنت آشیقی (اوزان-آشیق)

سنت اوزان عینا منبع ایده سنت آشیقی نیست، اما یکی از منابع موثر در شکل گیری بنیاد آن محسوب می شود. این به نیمه اول قرن ۵ میلادی، دوره هون ها مربوط می شود. در جوامع عشایری اوغوز اوزانها افرادی نیمه مقدس بودند که همراه با قوپوز آهنگ داستان می خواندند. در منابع لاتین آمده است که از زمان آتیلا در ارتشهای ترک اوزان هایی در کنار حاکم بوده اند (کوپرولو، ۱۹۷۶:۸۲).

اوزان، جهانگرد- دوره گرد، هنرمند سخن سرایی است که با دنیای ارواح ارتباط دارد، از آینده آگاهی می دهد، با خواندن شعرهای پرشور به سربازان روحیه داده، در ارتش ایجاد انگیزه کرده و محافظ ارتش است (قاسملی، ۲۰۰۳: ۱۹۲). اوزان ها از قوپوز به عنوان ساز استفاده می کنند. طبق روایتی در ترکستان، قوپوز توسط دده قورقود اختراع شده است. قوپوز ساز مقدس برای اوزان ها است. برای مداوای بیماران یا حل مشکلات و مصائب به قوپوز دعا می شد (قاسملی، ۲۰۰۳: ۱۹۵). اوزان ها، قدیمی ترین شاعران ترک، تا قرنهای چهاردهم و پانزدهم فعالیت های خود را ادامه دادند. پس از قبول اسلام، طریقت های زیادی پیدا شد و عرفان در بین مردم گسترش یافت و تقریباً همه اوزان ها هر یک با انتصاب به "پیر"ی، شروع به تولید آثار صوفیانه کردند. نام اوزان، که خاطرات دوره های قبل از اسلام، یعنی سنت های دده قورقود و اوغوزنامه را حفظ می کرد، با کلمه "آشیق"، به معنای شاعر متصوف، جایگزین شد. این تغییر در نیمه دوم قرن پانزدهم، یا حتی به احتمال زیاد می توان گفت که در طول قرن شانزدهم اتفاق افتاده است (کوپرولو، ۲۰۱۲: ۳۲۵).

پس از پذیرش اسلام توسط ترک ها، تغییر در جهان بینی و سبک زندگی بر اشعار آنها نیز تأثیر گذاشت. در دوره ای که از قرن دهم آغاز شد، سنت اوزانی (سنت داستان) قبل از اسلام، تحت تأثیر فرهنگ اسلامی و نفوذ عربی و فارسی قرار گرفت. در فرهنگ و ادبیات تازه شکل گرفته، عناصر ادبی پیش از اسلام با عناصر اسلامی و ملی ترکیب شد. سنت اوزان در آذربایجان و آناتولی، سنت سخن سرایی و فرهنگی آشیقی را بار آورد. سنت آشیقی سنتی است که دارای قواعد خاصی برای اجرا، ساختار پر احساس و قوانین خاصی برای آشیق شدن و حفظ آن است.

"آشیق ها: شاعرانی هستند که ساز می نوازند، در یک رابطه استاد و شاگردی رشد می کنند، یک سنت ادبی تشکیل می دهند، شعرهای بداهه می خوانند، "آتیشما" (مشاعره) می کنند، اظهار می کنند که به آنها باده داده شده و یا برخی از این خصوصیات را با خود دارند" (آرتون، ۲۰۰۹: ۳)

به این آشیق ها "حق آشیقی" گفته می شود و به آنها که باده دریافت نکرده اند، "یار آشیقی" می گویند. به قول مرحوم "آشیق اصلان طالبی" بسیاری از آشیق های امروزی را باید "پول آشیقی" نامید که دارای نبوغ خاصی نیستند و برای پول می نوازند و می خوانند.^۲

سنت آشیق ها و زمینه های آشیق ها در ایران

جغرافیای ایران، که قرنهای منطقه گذر بین آناتولی و ترکستان بوده و به عنوان وطن مستقر ترک شناخته می شود، در راس مکانهایی است که سنت آشیقی در جهان ترک به پویاترین شکل در آن زنده نگه داشته شده است. منطقه آذربایجان ایران در حد منطقه لوکوموتیو سنت آشیقی ترکان است. زبان، ادبیات، فرهنگ عامیانه و فرهنگ ترکی در این منطقه همچنان پویایی و استمرار خود را حفظ می کنند (قافقازیالی، ۲۰۰۵: ۳۳).

با تلاش باستان شناسان و دانشمندان ایرانی، در بقایای مجسمه موجود در موزه لوور پاریس، که از جغرافیای ترکان ایران به دست آمده، با قدمت تقریبی چهار هزار و دویست و پنجاه سال پیش، شکل نگاهداری و طرز گرفتن ساز دقیقاً همان شکل امروزی است. این اثبات سرزمینی است که در آن سنت آشیقی متولد شده و ادامه یافته است.



Plate 26, stamped terracotta. Iraq, Period III. 257.



Şekil 9. Solda M.Ö. 2500-2000 yıllara ait Sumer saz icraçısı, sağda ise Urmiyeli Aşık Dehkan.

در جغرافیای ایران هفت منطقه یا محیط آشیقی وجود دارد. این مناطق عبارتند از: تبریز / قاراداغ، ارومیه، سولدوز / قاراپاق، زنجان، قم / ساوه، خراسان / ترکمن صحرا و قشقای. آلات موسیقی، مقامات و موضوعات مورد استفاده در این مناطق با یکدیگر متفاوت است (قافقازیالی، ۲۰۰۵: ۱۱۰). سنت آشیقی ایران در مناطقی که ترکهای آذربایجان ایرانی، ترکمنها و ترکهای قشقای زندگی می کنند به شکل وسیعی به حیات خود ادامه می دهد.

^۲ شخصاً این را در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۳ که برنامه "سازبلا سوز" را در رادیو ارومیه (رضائیه) اجرا می کردیم از قول ایشان شنیدم و دیگر آشیق ها (آشیق دهقان و آشیق های مرحوم درویش و یوسف) که پای ثابت این برنامه بودند، مخالفتی نکردند.

در مناطقی که ترکان ایرانی برای قرن ها در آن زندگی می کردند، مسائل و مشکلات، تحولات سیاسی و زندگی اجتماعی بر سنت آشیقی تأثیر زیادی گذاشته است. این نتیجه اجتناب ناپذیر نقش هنر است .

سنت آشیقی ترکان ایرانی درخشان ترین دوره خود را در دوره شاه اسماعیل صفوی و بدترین دوره خود را در دوره قاجارها و پهلوی ها گذرانده است (قافقازیالی، ۲۰۰۲: ۱۸).

در سال ۱۹۲۵ (کودتای رضاخانی) سعی شد موسیقی محلی ترکان ریشه کن شود. پس از تغییر رژیم در سال ۱۹۷۹، موسیقی و نواختن ساز حرام تلقی شد. به تازگی، آشیق ها در اعیاد مختلف به رادیو و تلویزیون دولتی دعوت می شوند. اما این برنامه ها دارای محتوای ملی و مذهبی هستند. در شهرهای بزرگی مانند تبریز، ارومیه و زنجان، به سنت آشیقی بیش از شهرهای دیگر اهمیت داده می شود. در شهرهای مذکور انجمن های آشیق ها تأسیس شده است. از طریق این انجمن ها، آنها در اعیاد مذهبی و ملی، جشنواره ها و رویدادهای اجتماعی گرد هم می آیند. در شهر ارومیه انجمن حمایت از اهالی فرهنگ با حمایت سازمان فرهنگی شهرداری ارومیه تأسیس و این امکان حاصل شده که آشیق ها دور هم جمع شوند و هنرهای خود را ارائه دهند.

سیر تاریخی سنت آشیقی منطقه ایران، قفقاز و آناتولی، تقریباً روند توسعه یکسانی را نشان می دهد. آشیق با جایگاه مهم خود در فرهنگ عامیانه آذربایجان، در بین مردم با نام های "وارساق"، "اوزان"، "دده"، "آغ ساققال (باتجربه، دانشمند)"، "یانشاق" و سرانجام "آشیق" شناخته شده است. طبق تحقیقات در قرون ششم و هفتم میلادی، آشیق در بین مردم با نام وارساق شناخته می شد، و قالب شعری وارساقی که به امروز رسیده، از همین ریشه است. در قرون هشتم و نهم، آشیق به "اوزان" یا "دده" معروف بود. تا قبل از قرن شانزدهم، آشیق های آذربایجان با تخلص "دده" شناخته می شدند. اصطلاح آشیق پس از قرن چهاردهم میلادی در ترکی آذربایجانی وارد شده است (ح. صدیق، ۲۰۰۹: ۲۶).

در نگاهی به روند سنت آشیقی در جغرافیای ایران، با وجود نامهایی مانند قوربانی (قرن پانزدهم)^۳، آشیق عباس توفارقانلی (قرن هفدهم)^۴، ساری آشیق (قرن شانزدهم)^۵، خسته قاسم (قرن هفدهم)^۶، آشیق دوللو مصطفی (قرن هجدهم)^۷، بالوولو مسکین

^۳ متولد روستای دریلو از توابع شهرستان خداآفرین همدوره شاه اسماعیل و در مرحله آغازین نهضت ادبی شاه اسماعیل ختایی قرار دارد. او در تبریز نشو و نما کرده و در همان شهر به نهضت قزلباشیه پیوسته است و هنر نوازندگی و خوانندگی خود را وقف نشر معارف قزلباشیه و حروفیه کرده است.
^۴ در حدود ۱۶۰۰ میلادی در آذرشهر، که با نام تاریخی توفارقان شناخته میشود، به دنیا آمد. او همعصر با شاه عباس صفوی است و یکی از بزرگترین اساتید موسیقی آشیقی به شمار میآید.

^۵ بنظر میآید که وی در یکی از دهات شهرستان اهر به دنیا آمده، دوران جوانی خود را در منطقه قره داغ به سر آورده و سپس به آن سوی ارس کوچید و در دهی به نام «قاراداغلی» ساکن شده است. اطلاعات تاریخی در مورد زندگی این آشیق اندک است. مقبره او در روستای "گوله بیرد" قرار دارد.
^۶ خسته قاسم شاعر، عارف و فیلسوف دوره افشاریه، (۱۷۶۰-۱۶۸۴ میلادی)، متولد و در گذشته تیکمه داش می باشد. او یکی از ستونهای استوار موسیقی آشیقی است.

^۷ تاریخ دقیق تولد و مرگ وی مشخص نیست. تخمین زده می شود که در قرن ۱۸-۱۹ زندگی کرده باشد. وی در محال دول، در ۴۵ کیلومتری جنوب ارومیه متولد شده است.

(قرن نوزدهم)^۸ و ... دیده می شود که چنین آشیق های بزرگی در این جغرافیا پرورش یافته اند. ظهور "دستان" های ترکی مانند اصلی و کرم، آرزو و قنبر، عباس و گولگز، شاه اسماعیل، عاشق غریب و شاه صنم و... به لطف این آشیق ها است. از وجود انواع شعر و نظم مانند "بایاتی"، "زنجیر لمه"، "جیغالی مسدس" و... نتیجه گرفته می شود که این منطقه از مهمترین مراکز آشیقی است (قافقازبالی، ۲۰۰۹:۴۱).

به نظر محرم قاسملی، که یکی از بزرگترین محققان در مورد این منطقه محسوب می شود؛ پایه و اساس سنت آشیقی در منطقه آذربایجان ایران گذاشته شده است. بعدها، آشیق های بسیاری به قفقاز، آناتولی و دیگر نقاط رفتند و سنت آشیقی را گسترش دادند.

سنت آشیقی ارومیه

ارومیه یکی از قدیمی ترین سرزمین های ترک ها محسوب می شود. از زمان های بسیار قدیم، وقایع تاریخی بسیاری در این منطقه رخ داده است. شهر ارومیه در گذشته در معرض جنگ های زیادی قرار داشته، پایتخت تمدن های زیادی و مرکز بسیاری از ادیان بوده است. از این رو غنا و عمق فرهنگ و سنت و تاریخی بودن این شهر موجب پیدایش سنت های ریشه داری شده است. تداوم سنت آشیقی که هنوز هم یکی از مهمترین سنتهای مردم منطقه است، نشان می دهد که ریشه سنت آشیقی (اوزان) در این منطقه به دوران باستان برمی گردد.

سنت آشیقی منطقه ارومیه، مانند سایر سرزمین های ترک، در زمان های مختلف هم سنت اوزان و هم سنت آشیقی را در خود داشته و تمام ویژگی های سنت های اوزان/آشیق را تا به امروز حفظ کرده است. با این حال، می توان گفت که سنت آشیقی خاص ارومیه با آشیق بیمز (Aşıq Bəyməz) و دوللو مصطفی که در دوره صفویه زندگی می کردند آغاز شده است. از آنجا که کانون های صوفی-درویش برای اولین بار در منطقه آذربایجان ایران تأسیس شد، اولین نشانه های به جایگاه هنر رسیدن آشیقی، قبل از آناتولی و قفقاز در این منطقه ظاهر شد (قاسملی، ۱۹۹۶: ۱۵۴).

مکتب آشیقی ارومیه مربوط به دوره خانقاه-درویشی است. این را در شعرها و اجرا های آشیق ها به وضوح می بینیم. این در سایر محیط های آشیقی بسیار نادر است. در ارومیه حتی قول هارتون، آشیق مسیحی، یا دوللو مصطفی، آشیق اهل سنت، نمایندگان شعر خانقاهی محسوب می شوند. علاوه بر این، آشیق های علوی نیز بر سنت آشیقی ارومیه تأثیر بسزایی داشته اند.

^۸ شاعر بزرگ اهل روستای بالوو ارومیه، حسین قصاب اوغلو ملقب به «بالوولو مسکین» که در حدود سال ۱۸۵۲ میلادی در همین روستا به دنیا آمده است. پدر وی، ملا کریم قصاب بود که در دوره صفوی و زمان حکومت شاه اسماعیل صفوی از تبریز به ارومیه عزیمت کرده و در روستای بالوو ساکن شدند.

از آنجا که در منطقه ارومیه تعداد زیادی خانقاه و مدرسه صوفی-درویش وجود داشت، صوفیان با گرفتن ساز در دست خود، آشیق شدند. بیشتر آشیق های این منطقه آشیق هایی هستند که از خانقاه برخاسته اند. از این رو در آثار آنها، رندی گری عرفانی سنت خانقاه دیده می شود (قافقازبالی، ۲۰۰۵:۶۸).

سنت آشیقی ارومیه با آئین های "جم" که علویان در جمخانه ها برگزار می کنند، همسانی نشان می دهد. در شعرهایی با محتوای ذکر، آهنگ "کسمه کرمی" ترجیح داده می شود. سنت آشیقی در این منطقه همچنین شباهت هایی با مکتب های ایجاد شده توسط شاعران علوی در شهرهای آناتولی مانند قارص و سیواس دارد. آوازخوانی و سماع با همراهی تنبور و ساز برخی از درویش علوی در اطراف ارومیه در مجالس علوی و درویشی که برپا می کنند، ادامه همین سنت است (قافقازبالی، ۶۹).
تکنوازی آشیق ها، غیر ریتمیک بودن مقام ها، کلامی بودن موسیقی در کنار "ساز" هفت سیمه از شاخصه های اصلی مکتب آشیقی ارومیه است که آن را در سطح ایران و جهان، منحصر به فرد کرده است.

در این مکتب، مفاهیم عرفانی و حماسی در اوج خود اجرا می شود و مفاهیم اجتماعی که سرشار از آداب و رسوم و سنت های مردم این دیار است، در قالب "دستان" های شیرین و اشعار تاثیر گذار از شاعران گمنام و نادار آشیقی ارائه می شود.
در منطقه آشیقی ارومیه، اشکال اجرا از ویژگی های خاص و معینی برخوردار است. این بین هنر آشیق های آذربایجان و هنر آشیقی آناتولی ویژگی پل ارتباطی را داراست. محیط آشیق های ارومیه، یک محیط هنری متأثر و مرتبط با آشیق ها با ریشه درویشی است. اجرای آشیق در مکتب آشیقی ارومیه فقط با همراهی تک ساز (قوپوز) و آواز انجام می گیرد. به غیر از این، از هیچ وسیله موسیقی دیگری استفاده نمی شود. سبک نوازندگی ساز در این مکتب که براساس اجرای تک ساز ساخته شده، کاملاً شبیه و مربوط به سبک سازنوازی آشیق های آناتولی، به ویژه نواحی قارص و ایغدیر است. هنوز رد پای مجالس سماع خانقاهی در اجرای آشیق ها، که در قهوه خانه های محیط آشیقی ارومیه برگزار می شود، به چشم می خورد. این در شور و شوق پدید آمده در مجلس آشیق ها دیده می شود. مخاطبان پس از مدتی آشیق را همراهی می کنند، از خود بیخود میشوند و اجرا ها بیشتر بر اساس موضوعات تصوفی است. حتی آهنگی به نام "سماعی" موجود است.

در سنت آشیقی ارومیه ای، آشیق ها تعداد زیادی "دستان" می دانند.^۹ تعداد دستان ها در این محیط بین چهل و پنج تا چهل و هشت است. هر آشیق حداقل بیست دستان می داند. موضوعات بیشتر این دستان ها، مذهبی - عرفانی، غنایی و یا حماسی هستند. مکتب ارومیه از لحاظ ساختار و سیستم، بیشتر مناسب سنت دستان سرایی است. در مکتب تبریز / قاراداغ، همراه با قوپوز، آلات موسیقی دیگری مانند قوال(دف)، بالابان و حتی آکاردئون آشیق را همراهی می کنند. این وضعیت

^۹ از کلمه فارسی داستان که در مکتب عاشیقی معادل داستان های منظوم و منثور قهرمانانه و نیز عاشقانه است.

گاهی صدا و سخنان آشیق را در درجه دوم قرار می دهد. در حالیکه اجرای دستان فقط با قوپوز، باعث می شود مخاطب بیشتر به داستان بپردازد. در منطقه آشیقی ارومیه، ساز همیشه در مقام دوم جای می گیرد .

در مکتب ارومیه آشیق هم در ساز و هم در سخن، قابلیت بیشتری دارد. زیرا عملکرد خود را به تنهایی ارائه می دهد. توانایی آشیق های ارومیه در اجرای خوب دستان، به دلیل سیستم تک ساز نوازی و سخن سرایی آشیق های این محیط است. در این مکتب فقط آشیق است و ساز او، و صدای ساز دیگری وجود ندارد. به همین دلیل دستان به طور مشخص تری اجرا می شود. علاوه بر این بعد از خواندن شعر با آهنگ و ساز، در این مکتب، آشیق برای درک بهتر شعر آن را یک بار هم به صورت "دیل جوابی" (به شکل دیگلمه) و بدون ساز و آواز تکرار میکند .

مکتب آشیقی ارومیه

شهرهای ارومیه، خوی و قوشاچای (میانداوآب)^{۱۰} به عنوان اولین مناطق آغازگر مکتب آشیقی ارومیه شناخته می شوند. علاوه بر این، شهرهای ماکو، سلماس، چالدران و منطقه یکانات مرند که یکی از شهرهای استان آذربایجان شرقی ایران است نیز جزو منطقه آشیقی ارومیه است.^{۱۱}

در مکتب ارومیه، آشیق ها با به نمایش گذاشتن هنر شان با تک ساز، خود را در این هنر از محیط آشیقی قاراداغ-تبریز متمایز می کنند. از این نظر، شباهت معنوی بین هنرهای بورچالی، ارومیه و همچنین قارص، ارزروم و چیلدیر^{۱۲} جلب توجه می کند. به عبارت دیگر، آشیق های استاد هر سه منطقه فقط با ساز، بدون همراهی بالابالان و دف، یک سنت قدیمی را محافظت کرده اند (امام وردیف، ۲۰۰۱: ۱۲۷).

از دیگر تمایز های اصلی مکتب آشیقی ارومیه، تم خاص و شکل مقامی و آوازی آن است که بیش از سایر محیط های آشیقی، یادآور مجالس صوفیانه و درویشی است تا تصنیف خوانی.

ارومیه در بین محیط های آشیقی آناتولی و آذربایجان، دارای یک مکتب بسیار قدیمی و ریشه دار از آشیقی است که هنوز هم در قالب سنت اوزان-آشیق و رابطه استاد و شاگردی ادامه دارد.

^{۱۰} منطقه شرقی قوشاچای در منطقه عاشیقی ارومیه واقع نشده است. در قوشاچای دو مکتب عاشیقی وجود دارد، به نام های ارومیه و هشتری (هشترودی).

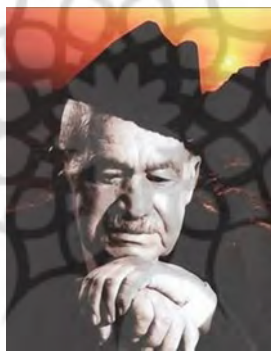
^{۱۱} منطقه تیکان تپه (تکاب) در استان آذربایجان غربی دارای سنت خاصی از عاشیقی است. این منطقه باید جدا از منطقه عاشیقی ارومیه حساب شود. در منطقه سولدوز، در گذشته هیچ اثری از سنت عاشیقی ارومیه دیده نمی شود و تصور می شود که این سنت در گذشته نه چندان دور از ارومیه به منطقه سولدوز (نقده) منتقل شده باشد. در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار و در سال ۱۲۴۵ هجری، ایل قره پاپاق تابعیت روس ها را قبول نکرده و از منطقه قفقاز به این منطقه مهاجرت کردند و در اراضی سولدوز که تپول عباس میرزا بود، اسکان داده شدند.

^{۱۲} مرکز منطقه ای در شهرستان اردهان ترکیه هم مرز با ارمنستان و گرجستان

محال دول در ارومیه مانند مرکز سنت آشیقی در منطقه است. بسیاری از آشیق های معروف و مشهور در اینجا پرورش یافته اند. شاعران سازنوازی مانند دوللو مصطفی، دوللو ابوذر و دوللو محمد برخی از آنها هستند. آهنگ "دول هیجرانی و بهمنی" از دوللو ابوذر، که توسط دوللو مصطفی تربیت شده بود، هنوز توسط آشیق های مناطق بورچالی و قازاخ در آذربایجان شمالی نواخته می شود که نشانگر تأثیر کانون دول بر سایر محیط های آشیقی است (قاسیملی، ۱۹۹۶: ۴۵).

در منطقه ارومیه تنها آشیق های ترک وجود ندارند. آشیق های ارمنی و آشوری نیز با اجرای اشعار ترکی همراه با ساز به ادامه سنت آشیقی در ارومیه کمک کرده اند. آشیق قول هارتون (قرن نوزدهم)^{۱۳}، آشیق یوسف اوهانس (قرن بیستم)^{۱۴}، آشیق آشویو (Aşiv) پدر بزرگ آشیق یوسف، آشیق یعقوب، پدر آشیق یوسف از آشیق های مسیحی منطقه هستند.

شاعر دده کاتب، پس از سال ۱۹۲۵ منبع الهام آشیق ها در منطقه آشیقی ارومیه بود. این شاعر که شعر و موسیقی محلی ترکی را به خوبی می داند، حدود سه هزار و ششصد بیت شعر دارد. بسیاری از آشیق ها هنوز از این آثار استفاده می کنند^{۱۵} (قافقازیالی، ۲۰۰۹: ۷۰).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ژنرال جامع علوم انسانی

نمونه ای از اشعار دده کاتب:

دلی کونول، دور شوکر ائيله لوظف یزدان بیزده دیر
صدق ایمان، بیر حقیقت، اصل ارکان بیز ده دیر

^{۱۳} تاریخ تولد وی در اواخر قرن نوزدهم ممکن است صحیح باشد. ما توانستیم این تاریخ را از مقایسه سنگ مزار هارتون با شکل سنگ قبر و تاریخ های قبرهای دیگر و از شناختن قبرشاگرد وی آشیق میکائیل توسط سلماسی ها بدست آوریم.

(Salmasli qul Hartun: yeddi xalq ozanından qalmış miras/ Doç. Dr. Tohid melikzade)

^{۱۴} وی متولد ۱۳۰۶ شمسی در روستای «دیزج تکیه» ارومیه که فعالیت در موسیقی آشیقی را از پدر (آشیق یعقوب) و پدر بزرگ خود که "سازنده" است.

(سازنده ساز آشیقی) هم بود، به ارث برده بود. این هنرمند در شامگاه ۲۲ اردیبهشت ۹۸ دارفانی را وداع گفت

^{۱۵} به سال ۱۳۰۴ در قصبه فرهنگ دوست قولونجی در ۴۵ کیلومتری ارومیه چشم به جهان گشود. ابتدا تخلص "کاتب" را برگزیده بود اما لقب "دده" نیز در جلسه های شعر و ادب در شهر قونیه ترکیه، توسط بزرگان و ادیبان آن دیار داده شد و تخلص کاتب به دده کاتب تغییر یافت. ایشان در دوم اسفند ۱۳۸۷- سن ۸۴ سالگی - و مصادف با روز جهانی زبان مادری دارفانی را وداع گفته و در زادگاه خود قولونجی (قولونجو) به خاک سپرده شدند.

کسان ادب هم شفاعت رحمه للعالمین

یوز بیرمی دورد مین ایچینده شمس جیهان بیزده دیر

باخ احسانه عدالته امر اندیب سوبحانیمیز

اوخونور حکم اینسانلیق ثابت دیر قورآنیمیز

بئش قاره یئددی ایقلیمده وار شوکت- شانیمیز

دورد کیتابی متممی حکم قورآن بیز ده دیر

روز الست خیطاب قیلدی بیزه رب العالمین

قالو بلی بیزلر دئدیک موژده میز واردی یقین

دینیمیزدن روشن اولدو ظولمت سطح زمین

حکم زمین حکم سما حکم رضوان بیز ده دیر

بیر کلمه توحید ایله مسند صدر بیزیم

خمسه صلات صوم زکات لیله القدر بیزیم

حب الوطن مرده جهاد هم ماه بدر بیزیم

آب حیات باب نجات بیت رحمان بیز ده دیر

کاتب سوزون دوغرو دئدین به اذن پروردگار

آنلیانلار فیکر ائله سه یاخشی بیلر هر نه وار

بیر گون اولار حق و باطل تمام اولار آشکار

هامی بیلر دوغرو کلام دوغرو زبان بیز ده دیر

در محیط آشیقی ارومیه، شعرهایی که اغلب توسط آشیق‌ها خوانده می‌شوند، شعرهایی از شاعران ارومیه ای مانند دده کاتب،

پور آذر، پاشایی، قنبر اوشناوالی، دوللو مصطفی و بالوولو میسکین هستند^{۱۶}.

ارومیه یکی از مراکز سنت آشیقی است که حدود ۱۳۰ عاشق هنوز در این منطقه مشغول فعالیت هستند. آشیق دوللو مصطفی،

آشیق یعقوب، آشیق یوسف، آشیق میرزا کگنی، آشیق جواد، آشیق فرهاد سلیمی، آشیق حسین سلطانی، آشیق عزیز مرادخانی،

^{۱۶} امروزه نیز شاعرانی مانند بابا علی جوانمرد، ارشد ابراهیمی کهریز، احمد اسدی و... اشعار زیبای آشیقی می‌سرایند.

آشیق عزیز سامیرتلی، آشیق اصلان طالبی، آشیق درویش وهاب زاده، آشیق نیت انگنه لی، آشیق موسی طسمالو، آشیق علی قیرمیزی باش، آشیق حسن گیلجر و آشیق قلی موسیقی، تعدادی از آشیق های متوفی و قدیمی منطقه آشیقی ارومیه هستند. استاد آشیق محمد حسین دهقان، آشیق نباتعلی علیزاده، آشیق ایوب نوزاد، آشیق اسمعلی لطفی^{۱۷}، آشیق زکریا ملکی، آشیق عبدالله اشرفی، آشیق بولود سعید، آشیق علی کریمی، آشیق جنون، آشیق قلی موسیقی، آشیق حیدر نیرومند^{۱۸}، آشیق عباس بهلول زاده، آشیق مناف رنجیری، آشیق قنبر حقیری، آشیق ندیم عباس زاده و... از جمله آشیق های شناخته شده امروز منطقه آشیقی ارومیه هستند.

هنر آشیقی ارومیه و تربیت آشیق

همانطور که قبلاً ذکر شد، سنت آشیقی در منطقه آذربایجان ایران پس از انقلاب فرهنگی شاه اسماعیل ختایی در قرن شانزدهم آغاز شده است. اولین آشیق در این منطقه آشیق قوربانی است که تقریباً همزمان با ختایی زندگی می کرد. ریشه های ادبیات آشیقی در این منطقه به قاراقویونلوها نیز، که برای یک قرن حکومت داشتند، نسبت داده می شود. در آن زمان آشیق را "اوزان"، "وارساق" و یا "دده" می نامیدند (ح. صدیق، ۲۰۰۹: ۲۴).

هنر آشیقی خلاقیت ادبیات عامیانه شفاهی در قالب موسیقی است که در میان عموم مردم ایجاد شده است. موسیقی آشیق هنری است که با یکپارچه شدن ساز، آهنگسازی و اجرای وی پدید می آید. سنت آشیقی هنری است که شامل موضوعاتی مانند داستان های قهرمانانه قدیمی، آزادی، قهرمانی، دوستی و محبت مردم است. نوع دیگر خلاقیت های آشیق، داستان های غنایی است. آشیق هنگام ساخت این ها از وزن هجایی به عنوان وزن اصلی شعراستفاده می کند.

هنر آشیقی ارومیه عموماً مبتنی بر عرفان و داستان است. موسیقی در آثاری که آشیق ها به صورت بداهه اجرا می کنند، با احساسات درونی آشیق درهم می آمیزد. زیرا اجرایی که فقط طبق قواعد نت ها اجرا شود، احتمال بی روحی آن اجتناب ناپذیر است.

آشیق های ارومیه ای نیز با استفاده از تک ساز در اجرای خود این طبیعی بودن و خلوص آن را حفظ کرده اند. موضوعاتی که آشیق های ارومیه معمولاً در اشعار خود به آن می پردازند به شرح زیر است:

۱. **قهرمانی:** یکی از وظایف آشیق ها ایجاد انگیزه در رزمندگان با اجرای اشعار حماسی، همراه با ساز بوده است. این نوع شعرها بیشتر با آهنگ هایی مانند دوبیتی، صور اسرافیل، محترم و جمشیدی خوانده می شوند. زیرا آشیق ها با توجه به موضوع

^{۱۷} از شاگردان مرحوم آشیق درویش وهاب زاده

^{۱۸} از شاگردان آشیق محمد حسین دهقان

و قالب شعر، آهنگ های مناسب را ترجیح می دهند. به عبارت دیگر، عامل اصلی تعیین کننده این است که آشیق در قالب چه آهنگی آواز بخواند، موضوع و قالب شعر است.

۲. **عشق: تصوف** - عشق الهی در شعرهای آشیق ها غالب است. یکی از مهمترین دلایل این امر این است که در دوره هایی شعرها درباره عشق مادی، توسط حکومت های آن زمان ممنوع می شده اند. دلیل دیگر این که مکتب آشیقی ارومیه محصول خانقاه است و متمایل به عشق الهی است. به دلیل این نگرش، آشیق ها شعرهای خود را در مورد عشق در چارچوبی صوفیانه بیان کردند، یا ترجیح دادند که بیان عشق مادی را تحت پوشش آهنگ های عرفانی ایفا کنند. در واقع، این وضعیت به گونه ای شده است که برای اشاره به هفتاد و دو شهید در کربلا، تعداد آهنگ های آشیقی را هفتاد و دو آهنگ گفته اند^{۱۹}. در شعرهای با موضوع عشق، بیشتر آهنگ "غربتی" ترجیح داده می شود.

۳. **دین و تصوف: مباحث دینی و عرفانی به ویژه، مفاهیمی مانند حضرت محمد، حضرت علی، دوازده امام و ولایت، در اشعار آشیق ها جای خاصی دارند.** شعرهای حاوی مفاهیم دین و عرفان امروزه در آهنگ های دیوان و تجنیس اجرا می شود.

۴. **موضوعات اجتماعی:** انواع مباحث مربوط به زندگی اجتماعی مانند عروسی، تولد، مرگ، اعیاد، سفر در اشعار آشیق ها موجودند. شعرهایی با مضمون اجتماعی اغلب با آهنگ های تاجری و گرایلی خوانده می شوند.

آشیق مکتب ارومیه با ساز در دست کسی است که با زیر پا گذاشتن کوه و دشت، به گردهم آبی ها و عروسی ها می رود. ویژگی تک ساز بودن در این مکتب، اهمیت کلام آشیق را بیش از سرگرمی مخاطب نشان می دهد.

امروزه تعداد آشیق هایی که شاعر هم باشند، بسیار نادر هستند. به همین دلیل، آشیق ها معمولاً اجراهای خود را با خواندن اشعار آشیق های شاعر قبلی مانند دوللو مصطفی، بالوولو میسکین، سلماسلی قول هارتون، دده کاتب، خسته قاسم، آشیق علسگر و ... ایفا می کنند.

در وهله اول، این استعداد است که آشیق را برای آشیقی آماده می کند. آشیق ابتدا باید دارای اراده و هوش قوی، خلاقیت، لغت دانی گسترده، توانایی شعر خواندن و گوش موسیقایی باشد. در مرحله دوم، آنها باید فرآیند خاصی از آموزش، پرورش و بلوغ هنری را نزد استادان خود ببینند، تا در آشیقی به مهارت برسند (اوغوز، و. ی. ۲۰۱۰: ۳۱۲).

در محیط آشیقی ارومیه، به شرط داشتن ویژگی های فراوان، آشیق ها با کار به عنوان شاگرد در کنار استادان خود، همراهی با آنها از این عروسی به آن عروسی، با تماشای اجرای استاد، کار را می آموزند. به طور کلی، خانواده یا جامعه آشیق های محیط

^{۱۹} ما در برنامه های "سازبلا سؤز" در رادیو ارومیه (رضائیه)، در سال های ۱۳۵۳-۱۳۵۴ شمسی، شصت و هفت آهنگ را با کمک عاشیق ها درویش، اصلان، دهقان، یوسف و برخی دیگر تثبیت کردیم. یکاش کسانی که امکان دارند، این مجموعه مستند را انتشار دهند.

ارومیه، محیطی است که در آن سنت آشیقی به طور زنده ادامه می یابد. علاقه خانواده ها و به ویژه علاقه جامعه روستایی به هنر آشیقی یکی از مهمترین دلایل گرایش آنها در این محیط به حساب می آید.

آشیق های ارومیه سازنوازی و داستان سرایی را از استادان خود یاد می گیرند. آنها همراه با استادان خود به عروسی ها و قهوه خانه ها می روند. در حالی که استادان ایستاده در مجلس آواز می خوانند، شاگردان آنها می نشینند و با علاقه به استاد گوش می سپارند. استاد نیز به شاگرد خود اجازه اجرا میدهد و به او گوش می سپارد و نکات لازم را به او گوشزد میکند. پس از آنکه شاگرد به حد خاصی از بلوغ هنری رسید، فعالیت های خود را به تنهایی ادامه می دهد.

موضوع رؤیا و نوشیدن باده

یکی از مایه های اصلی در ادبیات آشیقی، روایا است. بر این اساس آشیق رؤیایی می بیند و با این رؤیا پا به آشیق شدن می گذارد. در مکتب آشیقی ارومیه به عنوان نوشیدن باده یا "وئرگی" (بار امانت) داده شدن نیز شناخته می شود. پیری که به خواب آشیق می آید حضرت علی است.^{۲۰} آشیق با نوشیدن جام کوثر (باده) از دست مولایش علی، قدم به آشیقی می گذارد. خسته قاسم نحوه قدم گذاری به آشیقی را در شعر زیر توصیف می کند:

شاه^{۲۱} الیندن ایچدیم، کمر بست اولدوم^{۲۲}

قیرخ سگگیز گون شاه صفی ده بست اولدوم^{۲۳}

اوندا بیان اولدو دؤرت کیتاب منه

در بسیاری از داستانهای آشیق ها داستان مولا علی یا حضرت خضر را می بینیم که به رؤیای آشیق آمده و او را راهنمایی می کند.

در بعضی موارد، آشیق ها در رؤیا با خوردن توت، سیب، انار یا انگور از دست مولا و یایک پیر به درجه آشیقی می رسند. در داستانهای آشیقی، اگر در خواب به آشیق باده داده شود، آشیق به آرزویش می رسد.

رابطه استاد - شاگردی

^{۲۰} طبق گفته عاشیق های ارمنی ارومیه، پیری که به رؤیایی این عاشیق ها آمده نیز، حضرت علی بوده است.

^{۲۱} شاه (حضرت علی) پیر مجلس در عبادت جمعی در روزی است که حضرت محمد به معراج رفت، به این موضوع در علوی ها و بکتاشی ها که به قیرخ لار جمعی (جمع چهل تنان) معروف است، اهمیت داده می شود. طبق اعتقادات عاشیق ها، باده اصلی همان است است که از دست شاه (حضرت علی) در این جمع نوشیده شده است.

^{۲۲} شاه الیندن ایچدیم قدح، مست اولدوم

^{۲۳} خسته قاسم بازوی معلولی داشت. وی چهل و هشت روز در مقبره شیخ صفی بشت نشست و از مولایش خود، مرگ یاشفا خواست. او از طرف حضرت علی شفا یافت.

یکی از مهمترین سنتهایی که قرن‌ها در سنت آشیقی زنده نگه داشته شده است، سنت استاد شاگردی است. رابطه استاد و شاگردی از اهمیت مهمی برخوردار است و به عنوان پل انتقال دانش، آداب و تجربه، بین آشیق‌ها از گذشته تا به امروز بوده است و در نتیجه آن، سبک‌های آشیقی به وجود آمده است. این نه تنها در سبک آشیق‌های مناطق مختلف، حتی در داخل یک محیط یا مکتب آشیقی نیز به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، سبک آشیق حیدر و آشیق اسمعیل در ارومیه به وضوح به سبک استادانشان به ترتیب، استاد آشیق دهقان و مرحوم آشیق درویش شباهت دارد. عاشقان معمولاً نزد یک آشیق استاد، شاگردی کرده و بسته به استعداد خود ماهر می‌شوند. طبق سنت، برای تسلط بر اجرا و شعر آشیقی، آنها باید از آشیقی که استاد نیز خوانده می‌شود، درس بگیرند. آشیق جوان باید نزد استاد خود صبر زیادی نشان دهد. در پایان صبر، شاگرد پاداش خود را از استاد دریافت می‌کند و اجازه می‌یابد که به تنهایی برای اجرا ظاهر شود. داوطلبان هنر آشیقی با شاگردی کردن به استادی که این سنت را به آنها خواهد آموخت، با استفاده از دانش، آداب معاشرت و تجربیات وی، آموزش ادبی و تخصصی لازم برای اجرای این هنر را بدست می‌آورند.

مراحل آموزش شاگرد به طور خلاصه به این ترتیب است:

اول: مباحث ادبی

۱. یادگیری شعرهای سبک آشیقی

۱-۱. یادگیری شعرهای ساخته استاد (اوستا مالی)

۱-۲. یادگیری سروده‌های آزاد

۱-۳. یادگیری اشعار سیستماتیک آشیقی

۱-۴. یادگیری داستان‌ها

۲. آموزش نواختن ساز و آهنگ‌های آشیقی

۳. یادگیری آداب اجرا در مجالس

می‌توان گفت که اساس روند آموزش در سنت استاد-شاگردی، بر روش‌های "ازبر کردن"، "مشاهده" و "تقلید" قرار دارد. شاگرد نامزد آشیقی، دانش و آداب لازم را برای تحقق الزامات سنت در یک دوره زمانی به دست می‌آورد، محدودیت‌ها و توانایی‌ها به استعداد خود شاگرد بستگی دارد. اگر استاد صلاح بداند، او اجازه آشیقی را به دست می‌آورد و می‌تواند بدون حضور استاد در مجالس به اجرا بپردازد.

رابطه استاد و شاگردی در محیط آشیقی ارومیه، اهمیت خود همچنان را حفظ کرده است. هر آشیق استاد در این منطقه چند شاگرد دارد. آشیق استاد، شاگرد خود را همراه با خودش به مجالس می برد و دستان ها، سبک ها، ملودی ها و سازنوازی و سخن سرایی را به او می آموزد. شاگرد دستان های گفته شده توسط استاد را از بر می کند. استاد همه آنچه را که می داند به شاگرد خود یاد نمی دهد و همیشه برای خود سهمی نگه می دارد. این سهم از اطلاعاتی که آشیق ها برای خود نگه می دارند "کیسه دیبی" نام دارد. هر آشیق به جز استاد خودش، نمی تواند از استاد آشیق دیگری یاد بگیرد. استاد شاگرد خود را بیشتر از فرزندانش دوست دارد و از آنجا که برای او زحمت کشیده است، می تواند شریک پول به دست آمده توسط شاگرد باشد. شاگرد همیشه به استاد احترام می گذارد و به حرف او گوش می کند. معمولاً اولین ساز را استاد برای شاگرد می خرد. برای یک آشیق استاد، آراستگی، اخلاق، دانش، احترام و علاقه به آشیقی در شاگرد داوطلب اهمیت دارد.

در زمان های اخیر، در اثر شهرنشینی آشیق های جوانی که با رابطه استاد و شاگرد بزرگ شده اند، در محیط آشیقی ارومیه نادر هستند و این نشان می دهد که رابطه استاد و شاگرد ضعیف شده است. در این محیط رابطه استاد و شاگردی به شدت قبل ادامه پیدا نمی کند، چون آشیق های استاد پیر شده اند و دیگر تمایل به گرفتن شاگرد ندارند و نیز به خاطر اینکه جوانان علاقه مند به آشیقی سعی می کنند با گوش دادن به کاست، سی دی، تماشای اجراهای آشیق های دیگر و خواندن کتاب، این هنر را یاد بگیرند. برخی از داوطلبان جوان آشیقی مورد توجه نزدیکان یا اقوام خود که در این کار تبحر دارند، قرار می گیرند و ساز و سخن را از آنها می آموزند. امروزه تنها در شهرهای ارومیه، خوی و سلماس، بعضاً شاهد ادامه رابطه استاد و شاگردی، هستیم.

گرفتن تخلص (تاپشیرما)

در سنت آشیقی، آشیق ها اسم مستعار دوم دارند که در شعرهای خود از آن استفاده می کنند. این نام دوم یا اسم مستعار را یا استاد می دهد، یا او آن را از پیر یا مرشدی می گیرد که در خواب دیده است و یا این تخلص را خودش انتخاب می کند. تخلص ذکر شده در آخرین چهار مصرع شعر آشیق در میان آشیق ها و مردم "تاپشیرما" نامیده می شود.

تخلص نام مستعاری است که شاعران به جای نام واقعی خود در شعر سرایی از آن استفاده می کنند. نام های واقعی اکثر آشیق ها فراموش شده و آنها از اسامی مستعار مانند مسکین، خسته قاسم، کاتب و... به عنوان نام استفاده کرده اند. طبق سنت آشیق نام مستعار مورد استفاده خود را به روش های زیر دریافت می کند:

الف) انتخاب نام مستعار با انتخاب خود:

- او از نام و یا نام خانوادگی خود به عنوان نام مستعار استفاده می کند.
- او هر نامی را متناسب با زندگی و هنر خود به عنوان نام مستعار انتخاب می کند.

ب) دریافت از نور استاد، امام، پیر یا مرشد.

• استاد آشیق شاگرد را تحت امتحان قرار می دهد.

• استاد اسم مستعاری را با توجه به وضعیت شاگرد مناسب می داند.

• با تأثیر معنوی شیخ و پیری نام مستعار خود را دریافت می کنند.

ج) با نوشیدن باده در خواب خود را نام مستعار می گیرد.

در سنت آشیقی ارومیه، "تاوشیرما" (تاوشیرما) به عنوان استفاده از نام مستعار، به معنای سپردن است. در آخرین چهار مصرع شعر، اگر شعر از آن خود آشیق باشد، نام خودش یا نام مستعار مورد استفاده اش را ذکر می کند. اگر شعر متعلق به دیگری باشد، نام مستعار وی ذکر می شود. در مکتب آشیقی ارومیه، تنها در آهنگ دیوانی، تاوشیرما وجود ندارد. در زیر چگونگی استفاده بالولو میسکین از نام مستعار خود در اشعارش دیده می شود.

میسکین دئییه ر باده ایچدیم، نوش اولدوم ساقی نین الینده فراموش اولدوم

چوخ دولاندیم بی ایلقارا توش اولدوم تقدیر بئله ایدی قضادان منه

"تاوشیرما" در شعر ی با عنوان حکیم از دول لو مصطفی:

"مصطفی" یام عشق الیندن دایاندیم یار-یار دئییب، منده یاندیم نه یاندیم

مجنون اولوب داغی-داشی دولاندیم کسلیبیدی صبریم - آمانیم حکیم

سازنوازی و ویژگی های ساز

ساز ابزار تحریک الهام آشیق و یکی از مهمترین عناصر سنت آشیقی است. ساز عنصری است که نمی توان آن را از شعر آشیق جدا کرد. بیان شعرهای آشیق همراه با ساز "تئلدن سؤیله مک" و گفتن ساده "دیلدن سؤیله مک" نامیده می شود. از آنجا که اولین آشیق ها سازی به نام "چوغور" می نواختند، "چوغورچو" خوانده می شدند (آرتون، ۲۰۰۹: ۶۱).

در آذربایجان قرن چهاردهم، از کلمه "اوزان" به معنی قوپوز استفاده می شد و کسانی که این ساز را مینواختند و شعر می خواندند، اوزانچی نامیده می شدند. در اواسط قرن پانزدهم، سنت اوزان جای خود را به آشیقی واگذار کرد و نام ساز آنها را به "چوغور" و بعد ها به "ساز" تغییر یافت (اوغوز، و. د. ۲۰۱۰: ۳۱۴).

وقتی داوطلب آشیقی شروع به یادگیری ساز با استاد می کند، باید تکنیک سازنوازی استاد را در پیش بگیرد. با این حال، این وضعیت تا زمانی که استاد شود، ادامه دارد زیرا در آینده می تواند تکنیک ساز نوازی خاصی را برای خود ایجاد کند. امروزه بعضی از آشیق ها نواختن ساز را نه با استاد اصلی، بلکه با تلاش خودشان یا با رفتن به دوره های آموزش ساز یاد می گیرند.

اگرچه باغلاما یک ساز موسیقی محبوب در محیط آشیقی ارومیه است، اما در سنت آشیقی، از گذشته تا به امروز هیچ وقت از باغلاما استفاده نشده است. در مکتب ارومیه آشیق ها از قوپوز استفاده می کنند. با این حال، در میان آنها، نام ساز را "قوپوز" نمی خوانند بلکه "آشیق سازی" می نامند. یکی از قابل توجه ترین ویژگی های ساز ارومیه که معمولاً با صدف کاری می شود، نقش هلال ماه و ستاره روی سازها است. بیشتر آشیق ها این ستاره-ماه را نمادی از ایده تورانیسم می دانند. هلال و ستاره پرچم های برخی از کشورهای مسلمان، از جمله پرچم ترکیه، به عنوان نشان اسلامی شناخته شده است.

در سنت آشیقی ارومیه، آشیق ساز خود را به کسی نمی دهد. اما در گذشته، در مسابقه "دئیشمه" بین دو آشیق، برنده ساز بازنده را می گرفت. برنده می توانست ساز را برداشته و ببرد یا نزاکت استرداد آن را نشان دهد.

ساز از زمان دده قورقود قداست خود را حفظ کرده است. تا به امروز نیز، ساز آشیق به عنوان آلتی مقدس که دارای بار معنوی است، محسوب می شود. رد پای تقدس و سحرآمیز بودن ساز، که از سنت قدیمی اوزان باقی مانده است، هنوز هم در قوپوز در سنت آشیقی ارومیه دیده می شود. در مکتب ارومیه، این ساز یک آلت عرفانی و مقدس است.

آشیق در سنت آشیقی ارومیه، یک مرشد است. او وظیفه آموزش مردم را درک می کند. در این سنت ساز، نسبت به آشیق در مکان دوم قرار دارد. نکته اصلی سخن است. به همین دلیل، در این مکتب، آشیق ساز خود را نواخته و شروع به سخن سرایی می کند.

در مکتب ارومیه، قوپوز از هفت رشته سیم و چهارده پرده، دو قسمت مهم، کاسه و دسته و نه گوشی^{۲۴} تشکیل شده است. دسته ساز از درخت گردو و کاسه آن از ورقه هایی از درخت توت ساخته می شود. آشیق تنظیم ساز را با توجه به حنجره خود تعیین می کند. از نت های سل و لا در تنظیمات ساز استفاده می شود، اما بیشتر سل ترجیح داده می شود.

آشیق ها در سنت ارومیه، ساز را روی شانه خود آویزان می کنند، روی سینه خود نگه می دارند و در مجالس به صورت ایستاده، آن را می نوازند.



^{۲۴} چاناق، ساپ و قولاق

آنها تلاش می کنند تا با گردش در بین حاضران، همه را مورد خطاب قرار داده توجه آنها را به خود جلب کنند. هر یک از آشیق های استاد ارومیه تکنیک خاص خود را در نواختن ساز دارند. به اصطلاح هر آشیق استادی پنجه خاص خودش را دارد.

داستان سرایی

داستان های قهرمانی و عشقی در محیط آشیقی آذربایجان "داستان" نامیده می شود. کلمه "داستان" از "داستان" فارسی است و در ادبیات آشیقی، شامل داستان های حماسی و دیگر داستان های آشیق ها است .

در آذربایجان به قصه های عامیانه ای که آشیق ها روایت می کنند، "داستان" می گویند. تفاوت این داستان ها با داستان های عادی این است که در آنها شعر و نثر در کنار هم هستند و قسمت های منظوم همراه با ساز خوانده می شوند. منظور از قصه های عامیانه؛ داستان های قهرمانانه، داستان های آشیق ها، زندگی و ماجراهای زندگی برخی آشیق های خاص است (آرتون، ۲۰۰۹: ۶۹).

این داستان ها طولانی بوده و بیان آن یک شبه به پایان نمی رسد، حتی گاهی ماهها طول می کشد. آشیق های آذربایجان ایران در قهوه خانه ها، عروسی ها و مجالس آشیقی داستان تعریف می کنند. آشیق هرچه داستان بیشتری بداند، ماهر تر و داناتر محسوب می شود. آشیق هایی را که داستان های گوناگون و مختلفی می دانند، "داستانچی آشیق" می نامند.

آشیق های ارومیه در داستان پردازی بسیار با استعداد هستند. حتی در میان محیط های آشیقی آذربایجان ایران، محیط آشیقی ارومیه از این لحاظ، اولین بوده و مرکز داستان سرایی محسوب می شود. بسیاری از داستان های مهم مانند داستان توفارقانلی عباس، عبدالله خان و جهان و داستان قوربانی، داستان های خلق شده در مکتب ارومیه هستند.

در سنت ارومیه، از کلمات "سؤز" یا "صحبت" نیز به جای کلمه داستان استفاده می شود. آشیق هایی را که داستان میدانند، یا "آشیق های داستانچی" را "سؤز بیلن" یا "صحبت بیلن" نیز می نامند.

در عین حال بودند و احيانا هنوز هستند کسانی که آشیق نبوده، توانایی نواختن ساز و آوازخوانی ندارند ولی، سخن سرایانی هستند که داستان ها را به خوبی می دانند و در مراسم و بویژه در شبهای رمضان قهوه خانه ها، داستان سرایی میکنند که به آنها نیز "سؤز بیلن" یا "صحبت بیلن" گفته می شود.^{۲۵}

در سنت آشیقی ارومیه، برای هر روز از سال داستانی وجود داشته است. در مجموع نزدیک به سیصد و شصت و پنج داستان وجود داشت. اما فقط چهل و هشت نمونه از آنها تا امروز مانده اند. آشیق های که در حال حاضر اعضای این محیط هستند، به

^{۲۵} مرحوم کربلایی بیگ بابا از اهالی روستای "بوراشان" ارومیه یکی از داستانچی های خوش بیان بود که من شخصا در قهوه خانه جنب مسجد شافعی ارومیه در شب های رمضان در اوایل دهه پنجاه شمسی، شاهد داستان سرایی وی بودم. و با دعوت من از استعداد او در برنامه "سازایلا سؤز" رادیو نیز استفاده کردیم.

طور متوسط بیست تا سی داستان می دانند. آشیق های ارومیه جدا از داستان های قدیمی شناخته شده، داستان های خاص خود را نیز دارند. آشیق در حالی که در حال قصه گویی با ساز است، گاهی اوقات می تواند داستان را با افزودن تفسیرها و تعریف های خودش تغییر دهد، این مهارت آشیق را نشان می دهد.

در گذشته در این منطقه، برخی عروسی ها از هفت تا چهل روز طول می کشید و آشیق در این مدت داستانی را روایت می کرد. اما در عروسی های فعلی، آشیق ها فقط آهنگ "تعریف"^{۲۶} یا فقط قسمت های خوشایند و غنایی یک داستان را می خوانند. در زمان حاضر که مجالس عروسی طی مدت زمان کوتاهی برگزار می شود و آشیق نمی تواند وقت کافی برای بیان یک داستان داشته باشد، شعرهای شاعران و یا آشیق ها را اجرا می کند، نه داستان ها را.

عباس و گولگز، احمد ابراهیم، علیشاه و حوری لقا، علیخان و پری، آشقین شاه، بابا لئی سان و ورقا، بئی آستان (بیگستان!)، بزن اوغلو محمد و پری، امراه و حوری لقا، امراه و سلویناز(سروناز)، عندلیب میرزا و قیزیل گول، قنبر و محمود، آشیق غریب و شاه صنم، گوچیچه قیزی، غلام حیدر، غلام کمتر و سنور گولعدار، حیدر و بهرام، خورشید بگ، الیاس و مهری، کلبی و انصاف پری، کمتر یوسف، اصلی و کرم، قوربانی و پری، کوردوغلو، لطیف شاه، لیلی و مجنون، محمد خان و شاهسته(شایسته!) پری، محمد و طرلان، میر محمود و سارا، نجف و پریزاد، پهمور شاه، سعادت و صیاد، سعدی و پری، شاه اسماعیل و عرب زنگی، طاهر و زهره، تورک اوغلو و مهری، اولولو کریم، واله و زرنگار، چهارده حکایت از داستان کوراوغلو: سفر آشیق جنون، سفر آیواز، سفر بغداد، سفر بولو بئی، سفر آوردن دمیرچی اوغلو، سفر دربند، سفر ارزروم، سفر استانبول، پیری کوراوغلو، سفر روم، سفر ترجان، سفر توکات، سفر تورکمن. اینها برخی از داستان های محیط آشیقی ارومیه است.

اجرای آشیق

مرکز آشیق ها در مکتب آشیقی ارومیه، قهوه خانه ها است. آشیق ها در این قهوه خانه ها پرورش یافته و به درجه استادی می رسند. شاعرانی که شعر آشیقی می سرایند و دوستداران آشیق در این قهوه خانه ها جمع می شوند و گوش به سخن آشیق ها می سپارند. برخی از کسانی که به قهوه خانه می روند، خود شاعر هستند.

در سنت آشیقی ارومیه، آشیق در یک قهوه خانه با سی - چهل تماشاگر، اجرای خود را ارائه می دهد. مخاطبان دور هم در قهوه خانه می نشینند و به آشیق که مجلس را دور می زند و در حالت ایستاده ساز خود را می نوازد و سخن سرایی می کند، گوش می سپارند.

^{۲۶} آهنگ عاشیقی است که در تعریف عروس، داماد یا حاضرین گفته می شود.

آشیق با ساز و سخنانش در مجلس شور و شوق برمی انگیزد. از میان مجلسیان، بعضا به نوبت شعری را با آهنگ و یا بدون آهنگ می خوانند .

در سنت آشیقی ارومیه، هنگامی که آشیق برای اولین بار در مجلس به پا می خیزد، اجرای خود را با آهنگ دیوانی شروع می کند.^{۲۷} آهنگ دیوانی به سه شاخه "کسمه دیوانی"، "شاه ختایی دیوانی" و "بحری دیوانی (عثمانلی دیوانی)" تقسیم می شود. آشیق در ابتدا باید یکی از این سه را بخواند. آهنگ دیوانی کلید آشیق است. به عبارت دیگر، آشیق با این آهنگ در مجلس را باز می کند. شعرهایی که با دیوانی خوانده می شود پانزده هجایی است. آهنگ "کسمه دیوانی" یا "شاه ختایی دیوانی" که بیشتر مورد ترجیح قرار می گیرد به نرم شدن صدای آشیق کمک می کند. از آنجا که آهنگ بحری دیوانی در قسمت گلوی ساز نواخته می شود، دارای صدای زیر است و ترجیح داده می شود در وسط های اجرا خوانده شود. آهنگ دیوانی، به جز آهنگ "تجنیس" و "رباعی" که بعد از آهنگ دیوانی خوانده می شود، بسته به موضوع دستانی که گفته خواهد شد، در محتوایی غم انگیز یا غنایی متفاوت است. اگر این داستان شامل موضوعات سرگرم کننده باشد، آشیق "شوخی دیوانی" را می خواند. مثالی از داستان محمد خان که در آهنگ شوخی دیوانی خوانده می شود:

من چاغیرام او موولانی ائیله سین دیوان گۆزل
قاشلارین میثلی جلاددیر آلیر جانیمی گۆزل
هئچ گۆرمه دیم بو دونیادا بابلی گئدسین بابی نا
ایلاهی نین یازقیسی دیر یاخجی یا یامان گۆزل

نمونه ای از شعر که می تواند با سبک کسمه دیوانی، شاه ختایی دیوانی یا بحری دیوانی اجرا شود.

قادر الله، داده یئتیر باغا بوقان(باغبان) هاردادی
سال اوچور عرفان گۆیوندن شاه ترلان هاردادی
شخته ووردو گولستانی لاله لر قان آغلادی
هر یان اولدو غم بولدو شمس تابان هاردادی

او واخت کی بیز یازیخ اولدوق، هره چکدی بیر یانا

^{۲۷} دیوانی شامل موضوعات مذهبی مانند (حضرت محمد، امامت، ولایت، حقیقت، معرفت، شریعت، انسانیت، طریقت و ...) است. برای اجرای آهنگ دیوانی، عاشیق باید شناخت خوبی از دین و عرفان داشته باشد. اگر عاشیق توانایی خواندن در دیوانی نداشته باشد، اجرای خود را با "فوشما" آغاز می کند.

بیلمه دیک وحدت دادین، اوز دؤندر دیک عصیانا

قرآن بیزی قارداش ائدیب خائن اولدوق پیماننا

تحت شجرده باغلانان عهد و پیمان هاردادی

قیریلدی وحدت طنابی قدیمیز اولدو کمان

بس نئجه اولدو دامارلاردا حس غیرت حس قان

خرافات توتدو دونیانی، ضعفه یئتدی دین ایمان

گؤز سارالدی انتظاردان صاحب زامان هاردادی

دده کاتیب قورخما دانیش، سؤز سورایه ساخلاما

باشداکی علت تاپیلدی، لرزه دوشه ر انداما

یهودیت طغیان ائدیب ضربه وورار اسلاما

کفرشکن قوی پنجه شیر یزدان هاردادی

آشیق بعد از "دیوانی"، با آهنگ "تجنیس" به اجرا ادامه می دهد. آهنگ تجنیس خود به دو شاخه "ساده تجنیس" و "جیغالی

تجنیس" تقسیم می شود. اشعار در آهنگ تجنیس دارای یازده هجا است، حداکثر شش و حداقل سه رباعی (چهار مصرعی).

در این آهنگ مسائل عرفانی ابراز می شود. شعرهای استفاده شده در این آهنگ اغلب دارای صنعت شعری "جناس" هستند. در

زیر نمونه هایی برای هر دو نوع "تجنیس" آورده شده است:

تجنیس ساده:

باشینا دؤندوغوم منیم جانانیم

آه چکسه یئتیشیر بیر ناله م سنه

محبوبوم سان من کیمه یالواریم

یقینیم دیر یالواریر کل عالم سنه

قیرخلار مجلسینده قوشاندین تاجه

دردی اولان گلر سنه علاجه

واردین حق یولونا گئددین معراجه

چکدیلر ملک لر صف سلام سنه

جیغالی تجنیس:

قاشین جلاذ کیرپیکلرین الوانی

گۆزلرین جانی می یارالی سونا

عزیزنم الوانی

یاناقلارین الوانی

آغ اللرین بویادین

آل قانیلان الوانی

یاشیل اوستهن گئینمیسن الوانی

چئکمیسن اوستوندن یار آلی سونا

انتظارسان اؤزون یئتیر یاره سن

سر سؤزونو بیلدیرگیلن یاره سن

عزیزنم یاره سن

تیغ آل باغریم یاره سن

بولبول شیرین جانینی

نثار ائتدین یاره سن

ائله ووردون اورنگیمه یاره سن

ایلله جن قویدون یارالی سونا.

کیرپیکلرین بیربیر چک آت درینه

شاماملار دوستاغیندان درینه

عزیزنم درینه

خانه سینین درینه

شاهین ووردو

اؤزون سالدی درینه

لاچین قئیناغین دا یارالی سونا



آشیق پس از تجنیس به بخشی موسوم به "پیشرو" می رود. در این بخش چند چهار بیتی معروف به "استادنامه" می خواند. گاهی مصراع بعدی با آخرین کلمه آخرین سطر مصراع قبلی در این رباعی شروع می شود و این شکل را "قاریندان چیخما" می نامند .

آشیق در اجرای خود می تواند یک ، دو یا حتی سه استادنامه بخواند. اما برای اینکه وقت زیادی از جلسه را نگیرد ، فقط به یک استادنامه اکتفا می کند. استاد نامه اغلب حاوی موضوعات حکمت آمیز است. استاد نامه از شعر استاد خود آشیق یا شعر استاد دیگری که آشیق برای وی بسیار ارزش قائل است، می باشد. در زیر مثالی از استادنامه آورده شده است.

عالمین سروری سن خاتم انبیا

گؤرسه ت جمالی یین بیر گونو یوبات

قددین ریحانه دی، لاله لب لرین

اممه یه حیات، یاراددی قدرت

قدرتدن یئتیشدی سنه جان فدا

جبرائیل وحی گتیردی یئتیردی ندا

معراجا گئندنه حبیب خدا

به اذن احد، به نور رحمت

نور رحمت گلمغینی بیلدیلر

ملک لر صف اولوب دوردولار

او دم کی ده نورا سجده قیلدیلار

بو یوردو ایسمی محمد وئرن صلوات

صلواتی وئرن گئتسین او لامکانه

او دم مهمان اولدو قادر سلطانه

بو یوردو یاخجی ساخلا سیرری یین سالما بیانہ

گؤندردی آیت اوخوسون اُمت

اُمت لر اوخولار او دم قرانی



اوندا بیان اولوب حقیقین دیوانی

محمد مرسلی دینین سلطانی

به اذنی احد ذات هنرمند

ذات هنرمند دی به اذنی علا

شمس و قمر جمالی بین مهر و ماه

محشر گونو مصطفایه اول پناه

به قاضی الحاجت به عرف صفت

آشیق پس از پایان "استادنامه"، با فرستادن صلوات به پیامبر (ص)^{۲۸} سخن را آغاز می کند. قبل از شروع داستان، برخی از آشیق ها برای نرم کردن صدای خود، چند قطعه شعر را که به موضوع داستان مرتبط نباشد در اپیزود معروف به "پیشرو"، در آهنگ های تاجری یا گرایلی می خوانند. پس از اینها آشیق به قسمت اصلی، یعنی بخشی که روایت داستان است، می رود. آشیق اجرایش را که با هوای "دیوانی" شروع کرده با "آهنگ داستان" به پایان می برد. آهنگ داستان به "آهنگ تعریف" نیز معروف است. آشیق ها در عروسی ها، در انتهای مجلس، آهنگ داستان یا تعریف را می خوانند که در توصیف عروس، داماد، مخاطب یا یک قهرمان، کشور، ملت یا شهر است. شانزده هجا دارد. به طور کلی دارای روحی سرزنده و پر نشئه است. این آهنگ حداکثر از سه بند تشکیل شده است. در زیر چند نمونه از داستان ها آورده شده است.

"دلی علی"^{۲۹} بیر دؤوران آچیب شاه عباس دؤورانی کیمین

یانیندا وار اوغلان لاری آذربایجان خانی کیمین

زین العابدین بی بزمنیش مصرین سلطانی کیمین

هر طرفه چاغار سالدی سلیمان فرمانی کیمین

یئتمیش ایکی میللت جمع اولدو الست دیوانی کیمین

....

آتیشما (دئیشمه / باغلاشما) - مشاعره

^{۲۸} صلوات بر "عجل جمال پیغمبر" را از حاضران می خواهد.
^{۲۹} (اسم خاص) است. در سده ی گذشته روستاییان آذربایجان به سبب ظلم و ستم بی انتهای اربابان و دولتیان و حکومت تزار چندین بار عصیان کردند و قهرمانانی مانند «قاچاق نبی»، «آدی گوژل»، «یارعلی»، «دلی علی» که این عصیان ها را رهبری می کردند

آتیشما به معنای این است که آشیق ها در مقابل همدیگر همراه با ساز شعر می خوانند، یعنی رقابت کلامی بر یک پایه معین است

در حالت "دئیشمه"، آشیق ها مقابل حاضران ، در یک چارچوب کنایه آمیز اما به صورت طنز، مشاعره می کنند. در مکتب آشیقی ارومیه ، فعل "باغلاشما" به عنوان قرینه فعل "آتیشما" استفاده می شود. در گذشته ، سلاطین و پاشاها آشیق های خود را با آشیق رقیب به مسابقه وارد می کردند و در صورت پیروزی حریف آنچه را که می خواست به او می دادند و این سنت در بسیاری از حکایات آشیقی نیز روایت شده است. امروزه این سنت معنای واقعی خود را از دست داده است. این سنت امروزه بیشتر به صورت نمایشی انجام می شود. آشیق ها ارومیه از قبل برنامه ریزی می کنند که کدام شعرها را در "باغلاشما" بخوانند و بر این اساس "آتیشما" را اجرا می کنند. به دلیل روابط دوستانه بین آشیق های این منطقه، برنده دیگر مانند گذشته ساز بازنده را نمی گیرد. نمونه ای از "باغلاشما" بین بالولومسکین و قول هارتون از سلماس در زیر آورده شده است.

قول هارتون (قرن نوزدهم):

سحر سحر بیر چارشی یا اوغرادیم

اوردا بیر دلال وار چاغیریر حراج

احتیاجا گلیمیر خانیلان سلطان

میدان دا جنگ ائدیر قوچ ایله ارکاج^{۳۰}

گلیب بو میداندا دورا بیلرسن

اوخونو کمانا قویا بیلرسن

گؤرسن کی دوشمانی وورا بیلرسن

دؤن اوردا دوشمانی جیدا^{۳۱} ایلن سانج

سلماسلی قول هارتون نه دئسین داهی

بوینوما گتیردین کول لی گوناھی



^{۳۰} "Ərkeç" "بز نر بالای سه سال
^{۳۱} نیزه (برگرد و به دشمن با نیزه آسیب برسان)

وصفینی سؤیله دین دا بس دیر داهی

آتانی اوغلونا ائیله مه محتاج.

بالوولو مسکین (قرن نوزدهم):

خدام بنده سیننه بنله بویوردو

گنده سن مکه یه ائیله یه سن حاج

توتاسان اوروجو قیلاسان ناماز

قیامت گونونده اولماز سان محتاج

هایخیردی دریایا کسیددی سسی

منکر اولانلارین توتولدو یاسی

دولدولون ییه سی قنبر آغاسی

قورشاندی قیلینجا، سره قویدو تاج

دولاندی دونیانی حصار ائیله دی

منکر اولانلارا اظهار ائیله دی

چکدی قاتار ایلن نثار ائیله دی

آغام شاه مردان دیوردو مین آج

آی بالوولو مسکین بیر فیکیر ائیله

اوروج توت، ناماز قیل، بیر شوکور ائیله

بئش گون بو دونیادا بیر فیکیر ائیله (ذیکیر=ذکر ائیله)

اؤلچرلر کفنین بئش آرشین قولاج.

در باغلاشما آشیق ها معمولاً از شعرهایی که هیچ کس از آنها اطلاع ندارد، و مانند یک راز در درونشان نگه می دارند، استفاده

می کنند. این شعرها شعرهایی است که آشیق ها در شرایط دشوار از آن استفاده می کنند. این اشعار معمولاً "قفیل بند"،

"باغلاما"، "دوداق دیمه ز تجنیس"، یا "دوداق دیمه ز دیوانی" هستند.

دوغاچلاما (بدیهه سرایی)

"دوآچلاما" به معنای خواندن شعر به طور بداهه است که با ساز آشیق همراهی می شود. هنر بداهه نوازی که از ویژگی های مهم آشیق ها است، در آشیق های ارومیه نیز دیده می شود.

اصطلاح بداهه سازی به شاعران ساز اشاره می کند که شعر را در هنگام "آتیشما" به طور بداهه می سازند، برای معرفی شخصی یا هر موضوعی، چهار مصرعی هایی می سرایند و آنها را با ملودی هایی اجرا می کنند. در سنت آشیقی ارومیه، آشیق ها اغلب هنگام خواندن شعرهایی در آهنگ "تعریف"، شعرهای بداهه می سرایند. شعرهایی که در بداهه سرایی خوانده می شوند به "قوشما" نیز معروف هستند.

نحوه درخواست آهنگ از آشیق ها در مجلس

یکی از مهمترین ویژگیهای آشیق در سنت آشیقی ارومیه این است که او مجلس را به خوبی اداره می کند و به همه مخاطبان خود توجه دارد. به طور کلی، مجلسیان به شرطی که پول بدهند، در مجالس آشیقی می توانند از آشیق بخواهند آهنگی را بخواند. در این مرحله آشیق با خواندن شعری متناسب با مقام (آهنگ) درخواستی، مهارت خود را نشان می دهد. به عنوان مثال، خواندن یک شعر شاد با آهنگ "غربتی" که در آن درد، غم و جدایی ترنم می شود، شایسته نیست. در چنین حالتی، دستگاه غم انگیز است اما شعر سبک شاد دارد و این یک مسئله نامناسب در سنت آشیقی است. به طور خلاصه، در سنت آشیقی، شعر و آهنگ همیشه باید با یکدیگر هماهنگ باشند.

اشاره کردیم که آشیق با خواندن "دیوان" در حالت ایستاده اجرا را شروع می کند، صدای خود را با "تجنیس" نرم می کند، سپس یک "استادنامه" و اگر بخواهد می تواند یک "تاجری" بخواند. پس از طی این مراحل، شنوندگان می توانند از آشیق بخواهند که مطابق میل آنها آهنگ بخواند. این خواست را با گفتن آشیق مثلاً یک "اکبری" و یا یک جمشیدی^{۳۲} و غیره برای من! بیان می کنند. علاوه بر این، در مجلس، مخاطبان می توانند برای سلامتی دوست یا آشنای خود، در ازای پولی که به آشیق می دهند، آهنگ بخواهند. آشیق این را با آهنگ "دستان" (تعریف) اجرا می کند.

درخواست آهنگ از آشیق در ازای دریافت پول در قهوه خانه ها، نادر اما موجود است. از آنجا که بیشتر تماشاچیان که به قهوه خانه ها می آیند، خود نیز صاحب سخن هستند، پس از پایان اجرا یا گاهی در وسط اجرا، آهنگی را که می دانند، با همراهی ساز آشیق و یا بدون آن می خوانند. گاهی آشیق خودش یکی از مخاطبان آشنا را برای خواندن آهنگ مورد انتخاب خود، دعوت

^{۳۲} نام های آهنگ عاشیقی

می کند. گاهی اوقات نیز همراه با آشیق خوانده می شود. در این حالت، پس از گفتن یک بند توسط آشیق، بند بعدی را یکی از حاضران می خواند.

آهنگ های ساز آشیق های ارومیه

سنت آشیقی ارومیه آهنگ های خاص خود را دارد. در مکتب ارومیه، هفتاد و دو آهنگ وجود دارد. در عین حال، اجرای آنها در مناطق دیگر، به ویژه آناتولی نیز انجام می شوند. آشیق ها معمولاً بیشتر آهنگ ها را از استادان خود می آموزند. برای یک آشیق دانستن همه هفتاد و دو آهنگ، امکان پذیر نیست. به خاطر اینکه استادان بعضی آهنگ ها را خود می خواندند، شاگردان آنها را یاد نمی گیرند و بنابراین به امروز منتقل نشده اند و تنها نام آنها مانده است.

در مکتب ارومیه، آهنگ دیوانی، تجنیس، ارومیه گۆزه لاله سی، تاجری، هجرانی، گرایلی، خوی امراهی سی، ارومیه امراهی سی و شاه ختایی بیشترین استفاده را دارند.

موضوع های مربوط به نام آهنگ های آشیقی:

- قالب های شعری مانند: تجنیس، جیغالی تجنیس، دوییتی، دیوان، مخمس، مستزاد
- قهرمانان تاریخی و افسانه ای ویا آشیق های استاد مشهور - کوراوغلو، شاه اسماعیل خطایی، کرم، آشیق دوراخان(دوراخانی).
- نام مکان های جغرافیایی: دول هیجرانی، سواستاپول^{۳۳}، خوی امراهیسی، شکرپازی^{۳۴}، قره عینی^{۳۵}، همدان گرایلی سی، شرور^{۳۶}، گوپچه^{۳۷} گۆزلله مه سی، ایروان، (ایروان چوخورو)، اورمو گۆزل له مه سی، روضه (یکی از بخش های شهرستان ارومیه) گۆزل له مه سی.
- نام طایفه مانند: ترکمه
- با بینش های شاعرانه: گۆزل له مه. غربیتی، دیک دابان، نارینجی(زارینجی)، دل غم.
- مباحث حماسی: جنگی، مصری، محترم.

^{۳۳} سواستوپول بزرگترین شهر کریمه که قبلاً ترک نشین و مرکز تاتارها بود، امروزه بندر اصلی دریای سیاه است.

^{۳۴} شکرپازی، روستایی است از توابع بخش مرکزی شهرستان سلماس استان آذربایجان غربی

^{۳۵} سیه چشمه در استان آذربایجان غربی

^{۳۶} شهری در جمهوری خودمختار نخجوان در آذربایجان است.

^{۳۷} زادگاه آشیق علسگر که امروزه در اراضی ارمنستان مانده است.

آشیق های منطقه آذربایجان ایران با تعداد آهنگ های بیشتری برنامه اجرا می کرده اند. برخی از آنها تا امروز باقی مانده و بخشی از بین رفته اند. این تعداد برابر با هفتاد و دو نفری بود که در کربلا به شهادت رسیدند و با این ترفند آشیق ها فرصت ادامه موجودیت خود را در حکومت های دینی متعصب پیدا کردند. طبق نظر دیگر، با توجه به اینکه گذشتگان شان به "هفتاد و دو زبان و هفتاد و دو ملت" معتقد بودند، تعداد آهنگ آشیق ها به تعداد هفتاد و دو نفر رسیده است.

هارمونی آهنگ های آشیق ها آذربایجان و آناتولی را در هارمونی آهنگ های آشیق های مکتب ارومیه، می توان شنید (قافقازیالی، ۲۰۰۵:۱۱۸). چند نمونه از آهنگ های مکتب آشیقی ارومیه:

دیوانی، کسمه دیوانی، شاه ختایی دیوانی، باهری دیوانی (عثمانلی دیوانی)، تجنیس، تاجری، قارص، غربتی، دیک دابانی، قره عینی، بندایی هجرانی، گولشنی، دول هجرانی، خاچاخالداری، سواستاپول، آغاخانی، اووچو گنرایلی سی، جمشیدی، ارمنی، کشکولوسو، مسلمان کشکولوسو^{۳۸}، کسمه هجران، اورمو قره باغی سی، سماعی، دورا خانی، نصرالاهی، حلبی، شکر یازی، شاقی، خوی امراهی سی، امراهی، کسمه کرم، دوبیتی، همدان گنرایلی سی، اکبری، بهمنی، ترکمه گوزه للمه مه سی، عثمانلی شرقی سی، اورمو شرقی سی، روحانی، حربی، زارینجی، مصری، سولدوزو، جیغالی تجنیس، محترم، پاشام کوشدو، گوچیچه گوزه للمه سی، پناهی، گرایلی، شرور، روضه گوزه للمه سی، اورمو گوزه للمه سی، داستان، دیلغم (دل غم)

شاعر ارزشمند ارومیه، مرحوم محمود صادقپور (شامی) نام آهنگ های آشیقی ارومیه را در شعر زیر آورده است:

اوخو آشیق، اوخو شرقی، تاجری	گۆزل لمه، تجنیس دیوان هاواسین
مصری، سواستاپول، دیلغم، حلبی	بهمنی، قوربتی، هیجران هاواسین
اوخو آشیق، قره عینی، پناهی	جمشیدی، گرایلی، سه گاه، اکبری
قره چی، چینداوار ^{۳۹} ، شرور، ائل کؤچدی	دوبیت، آرازباری، موقام، هشتی ^{۴۰}
اوخو آشیق، اوخو "جنگی کوراوغلو"	سولدوزو، جوادی، خاچاخالداری
یانیق کرم، قارص، داستان، دؤشه مه	پاشام کؤچدو، نصرالهی، افشاری
اوخو آشیق، خان چوبانی، زارینجی	قلندری، دوراخانی، دیک دابان
ایروانی، شاه اسماعیل، نمه دی	لیلی مجنون، گوچیچه گولو، قمرجان
اوخو آشیق، تره کمه، شکسته	شکر یازی، نخجوانی، سماعی

^{۳۸} کشیش اوغوسو

^{۳۹} احتمالاً شینداآباد شبستر است.

^{۴۰} فارسی شده اش هشتروند امروزی است.

شاهسونی، قره باغی، امراهی	قهرمانی، حربه زوربا، محترم
روحانی، قوچانی، شاقی، شیروانی	اوخو آشیق، اوخو دره دولدوران
هراتی، جلیلی، الیاز، عرفانی	ساری تئلی، کشیش اوغلو، قجری
"شامی" یم شاعیریم، سؤز آشیقی یم	اوخو آشیق، اوخو آغزین وار اولسون
من آذربایجانین اؤز آشیقی یم	چال اوخو، دینله یم، سازلا سؤزونو

(دربندی، ۱۳۸۳)

بخش دوم: فرم و نوع در سنت آشیقی ارومیه
شکل و ژانر در شعر آشیقی ارومیه-آذربایجان

"نوع" محتوا، داخل، و "شکل / فرم" عناصر خارجی است. در شعر عامیانه، شکل یا فرم باید شامل ویژگی هایی باشد که از خارج دیده می شود. این ویژگی ها می تواند قافیه سازی، واحد نظم، وزن و حجم شعر (تعداد مصراع، بیت، چهاربیتی) باشد. غیر از عناصر شکلی در شعر عامیانه، دو عنصر اساسی در تفکیک ژانرهای شعر موضوع و ملودی هستند. می توان از کلمات "فرم" به عنوان معادل مفهوم "شکل"، ژانر به عنوان معادل مفهوم "نوع" و مقام موسیقی، به عنوان کلمه "ملودی" استفاده کرد (اوغوز، ۱۱: ۲۰۰۱-۱۵)

در شعر آشیقی منطقه ارومیه سه شکل نظمی اصلی وجود دارد.

۱. دیوان: شعرهای پانزده هجایی، عبارت از شعرهای طولانی است.

۲. قوشما: شعر یازده هجایی معمولاً از اشعار با قافیه های جناس دار تشکیل شده است.

۳. گرایلی: شعرهای هشت هجایی که آنها را "قیسا یارباق" نیز می نامند.

وزن ادبیات آشیقی وزن هجایی است، که مناسب ترین وزن برای زبان ترکی مردم می باشد. مهمترین عامل تعیین کننده فرم های هجایی، قافیه است..

در چهار مصراع، قافیه های تشکیل شده در سه مصرع اول را قافیه یا "اویاق" می نامند. قافیه های ایجاد شده بر اساس وحدت صدا در آخرین مصرع چهار مصراع ها را نیز "آیاق" می نامند. در شعر عاشیقی، قافیه اصلی را "آیاق" می نامند. در اشعار شاعران ساز، قافیه هایی که بند های منظومه را بهم وصل میکند، "آیاق" می نامند. در آذربایجان، نیم بیت با قافیه در بیت آخر چهار مصراع ها در شعر عاشیقی را "آیاق" می نامند. مثالی در قالب "مستزاد قوشما" را در زیر می بینیم:

دؤرد کیتاب هر بانا یولو گؤستریر،

نفس ایله معرفت اولور ششش جاهات .

بئله امر ائله ییب قدرتی-قادر،

بو امره قول قویان تئز تاپار نجات،

ائيله اعتقاد .

شهر، آیدی، بایرام اونون گولودو،

ایکی آی بیر-بیرینین متصلی دی .

اوج یوز آلتیمیش آلتی گون - بیر ایلی دی،

سککیز مین یئددی یوز سکسن دؤرد - ساعت،

گل وئریم ایسناد .

...

در سنت آشیقی، تسلط بر "آیاق" و قافیه مهمترین عنصری است که برنده "آتیشما" را تعیین می کند. چهار مصرعی در شعر آشیق به عنوان واحد شعری است. ادبیات آشیقی به دو نوع شعر و روایت تقسیم می شود (آرتون، ۲۰۰۹: ۱۱۵-۱۱۶). در شعر آشیقی، به مجموعه حاصل از چهار مصرع "بند" یا "خانه" گفته می شود. در شعر آشیقی محیط ارومیه به مجموعه بندها "قاتار" (قطار) گفته می شود.

انواع شعر آشیقی آذربایجان

با توجه به اینکه توضیح همراه با نمونه های انواع شعر آشیقی، مقاله را بسیار طولانی میکند، شرح و نمونه های این انواع شعری را در مقاله ای دیگر تقدیم خواهد شد. لذا در اینجا، تنها به آوردن نام آنها بسنده می شود:

تصنیف، بایاتی، گرایلی، جیغالی، گرایلی، سالاما گرایلی، موروه تی (مروتی) گرایلی، قایتارما گرایلی، تجنیس گرایلی، ناغاراتلی گرایلی، گرایلی دیلدؤنمز، گرایلی رباعی، قوشما، گول لو قافیه، قوشا یارپاق قوشما (چاپراز قافیه)، قوشما مستزاد-آیاقلی قوشما، تاسف نامه، تجنیس، بایاتی تجنیس لر، جیغالی تجنیس، آیاقلی تجنیس، دوداق ده یمز تجنیس، نفس چکمه تجنیس مسدس، حرف اوسته تجنیس (اول-آخر)، حیدری، الف-لام، جهان نامه (تاریخی منظومه)، دیوانی، مخمس، جسد نامه (بیان حال)، تصوف نامه، اؤیود نامه، نصیحت نامه، استاد نامه، قیفیل بند، سیجیل له مه، معراج نامه

بخش سوم: زبان و سبک در سنت آشیقی ارومیه

زبان و سبک در آشیق ها

همانگونه که فرهنگ منتقل شده توسط اوزان ها با ترکیبی از تاریخ و افسانه شعر را تغذیه می کرد، پس از قرن پانزدهم. سنت آشیقی شکل گرفته در بستر اسلامی، بر شعر آشیقی تأثیر گذاشت و به آن شکل و ماهیت جدیدی بخشید. هر آشیق برای خود سبک متفاوت داشته و سنت دارای صدای مشترک است. آشیق این صدای مشترک را با تصورات، احساسات و حالات و کشفیات خاص خود پر می کند. خلاقیت یک آشیق را، پایگاه فرهنگی او، وضعیت روانی او در لحظه بیان شعر، دلیل گفتن آن، رابطه او با مخاطبش و نحوه انتخاب امکانات زبان او تعیین می کند (آرتون، ۲۰۰۹: ۱۴۵-۱۴۷).

سبک و زبان با هم در نظر گرفته می شوند. آشیق ها همیشه از زبان گفتاری مردم در شعرهای خود استفاده کرده اند. از آنجا که ادبیات آشیقی تحت تأثیر فرهنگ اسلامی است، تأثیر زبانهای عربی-فارسی در شعر آشیقی مشاهده می شود. زبان محلی و کلمات باستانی نیز بر زبان شعر تأثیر می گذارد. آشیق ها سبک استاد خود را ادامه می دهند. آشیق ها استاد همواره چیزهای زیادی به شعر آشیقی افزوده اند (آرتون، ۲۰۰۹: ۱۴۷).

آشیق ها در بداهه سرایی، سبک خود را نشان می دهند. آشیق ها همراه با به کار بردن قالب بیانی مانند تکرار "یئنی له مه"، از ضرب المثل ها، اصطلاحات، دعا و نفرین، کلمات محلی، هنرهای معنایی و بلاغی، هنر سخنوری و دیگر الگوهای بیانی استفاده می کنند. روایت مستقیم (در موضوعات آموزشی)، تحکیم (حکایت سرایی)، پرسش و پاسخ متقابل (نوع پندو اندرز ها و امور تعلیمی)، روایت از طریق شواهد و اثبات (روایت با ذکر مثال هایی از آیات و حدیث ها) نیز از جمله اشکال روایی ادبیات آشیقی است.

سبک در آشیق های ارومیه

آشیق های محیط ارومیه، بسته به تعلق به شاخه ای از آشیقی، آموزشهایی که دیده اند، و یا آموزش ساز و سخن نزد استادی که داشته اند، سبک مشترک آن شاخه آشیقی را نشان می دهند. علاوه بر این، شکل بیان، قالب، زبان مورد استفاده و ساختار اجرای هر آشیق، سبک منحصر به فرد خود را نشان می دهد. عناصری مانند فضای اجرا (عروسی، قهوه خانه و ...)، مخاطبان، اوضاع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره و ... سبک آشیق های ارومیه را تحت تأثیر قرار می دهد.

شاخه های آشیقی در تعیین سبک کلی آشیق های ارومیه جایگاه مهمی دارند. سبک نواختن ساز و بیان سخن در آشیق های ارومیه به سه شاخه تقسیم می شود. سبک دول و دو سبک دیگر که هنوز نامی برای آنها گذاشته نشده است.

تکنیک نواختن ساز درسبک دول بسیار موفق است. دهستان دول شهر ارومیه محل تولد و ظهور بسیاری از آشیق های استاد است. کانون دول سبک منحصر به فردی دارد. آشیق دول لو مصطفی، آشیق عزیز مرادخانی، دول لو ابادر، آشیق فرهاد سلیمی، آشیق های سبک دول بوده اند.

در سبک دوم^{۴۱}، تکنیک ساز آشیق ساده، اما تکنیک گفتار و صدا بیشتر مورد توجه است. آشیق از صدای زیبای گوش نواز استفاده می کند. آشیق امراه، آشیق حسن و آشیق درویش، آشیق های این سبک هستند.

سبک سوم، سبک متعلق به آشیق دهقان است. آشیق دهقان در محیط آشیقی ارومیه شاگردان زیادی تربیت کرده و سبک آشیقی خود را در این منطقه تأسیس کرده است.

زبان در آشیق های ارومیه

در منطقه آشیقی ارومیه، آشیق، برای داشتن ارتباطی خوب با مخاطب و بیان صادقانه و صمیمانه سخنان خود از زبان نزدیک به زبان عامیانه استفاده می کند. در واقع آشیقی که از مردم آمده، برای انتقال صمیمانه شادی، غم و مشکلات مردم، ناگزیر حرف خود را به زبان ساده بیان می کند. در محیط ارومیه، آشیق، در اجراهای خود از الگوهای بیانی مانند، ضرب المثل های رایج، اصطلاحات، تشویق و نفرین، دعا و سوگند و غیره استفاده می کند.

آشیق های محیط ارومیه، هنگام بیان داستان ها یا قصه ها، به زبان و ساختار اصلی این آثار وفادار می مانند. در واقع نیز هرگونه مداخله یا تغییری که در داستانهای عامیانه کلاسیک اعمال شود باعث از بین رفتن حالت طبیعی اثر می شود. آشیق هم فردی است که با ساز و سخن به بهترین شکل از فرهنگ گذشته خود دفاع می کند. اما برخی از واژه های باستانی مورد استفاده آشیق ها، که توسط جوانان قابل درک نیست، توسط آشیق ها توضیح داده می شوند.

تأثیر زبانهای فارسی و عربی در شعر آشیقی ارومیه

آشیق های ارومیه هنگام بیان ساز و سخن، از اصطلاحات و ترکیبات فارسی-عربی نیز استفاده می کنند. توانایی آشیق در تسلط بر چندین زبان بیانگر توانایی و دانش وی است. بیشتر شعرها یی که در آن ها از زبان غیر از ترکی هم استفاده می شود، به صورت تجنیس گفته می شوند و یازده هجا دارند. این نوع شعر را "ملمع" می نامند.

^{۴۱} هنوز هیچ نامگذاری برای این سبک انجام نشده است.

منابع:

- امام وئردیف، ایلقار: «۲۰. عصر گونئی آذربایجانین آشیق محیطی و بعضی سورونلاری»، ارزروم یونیورسیتیه سی؛ تورکیات
آراشتیرمالاری انستیتوسو درگی سی، ارزروم، ص. ۱۷، ۲۰۰۱، ص. ۱۳۲-۱۱۹
- اوغوز، اؤجال م. : هالک شعرینده جور، شکیل و مقام، آنکارا، انتشارات آکچاغ، ۲۰۰۱
- آراس، انور: «آنادولو و آذربایجان آشیک شعرینده جور و شکیل مسئله سی»، اولین. کایسری کولتور سمپوزیومو بیلدیریمی،
کایسری، ای: یونیورسیتیه سی. انتشارات تورک دیلی و ادبیاتی بؤلومو، ۲۰۰۱، ص. ۴۳-۵۳ .
- آرتون، ارمان: آشیکلیک گله نه یی و آشیک ادبیاتی، چاپ چهارم، استانبول، کتاب ائوی یای، ۲۰۰۹
- دربندی جواد عاشیق لار دونیاسی، تبریز، انتشارات فروغ آزادی، ۱۳۸۳، ۷۸۰ ص.
- شافعی حمید و حقیری قنبر دوللو مصطفی - یاشایش - شعرلری، تبریز انتشارات اختر ۱۳۸۰، ۱۲۰ ص .
- صدیق، محمد حسین: قوپوز نوازان سوخته دل، آذربایجان، چاپ دوم، تهران، انتشارات تکدرخت، ۲۰۰۹
- قاسیملی، محرم: اوزان-آشیق صنعتی، باکو، انتشارات اوغور، ۲۰۰۳
- قافقازالی، علی: «ایران تورک لری آشیق محیط لری»، میلی فولکلور درگی سی، سال: ۱۷، ص. ۶۸، ۲۰۰۵، س. ۱۲۶-۱۱۰
- کؤپرولو، فواد: تورک ادبیاتیندا ایلک متصوف لر، چاپ ۱۲، آنکارا، انتشارات آکچاغ، (۱۹۷۶) ۲۰۱۲
- ملیحه شمسی زاده ملکی: اورمیه آشیکلیک گله نه یی و آشیک غریب حیکایه سی اینجمله مه سی / یوکسک لیسانس تئزی
/ استانبول اونیورسیتیه سی سوسیال بیلیم لر انستیتوسو / استانبول ۲۰۱۴
- توضیحات:** عاشیق های ارومیه هم "ساز" را مقدس شمرده و حتی هنگام تعظیم در برابر تشویق کننده ها، آنرا با یک دست بالا
نگهداشته و خود تعظیم میکنند تا احترام "ساز" حفظ شود.
- Chogur ساز زهی است که با مضراب نواخته شده است. به عنوان یک آلت موسیقی حرفه ای می تواند مورد استفاده قرار
گیرد. چوغور خلف قوپوز و سلف ساز است. به عبارت دیگر، آخرین حال تکامل یافته قوپوز و آغاز ساز عاشیقی است. (چالقی
آلت لریمیز، عباسقلی نجف زاده، باکی ۲۰۰۴)
- تکرار (یعنی له مه): هنر تکرار یک کلمه یا عبارت برای تقویت تأثیر کلمه است.
- مثال ها:
- "ای وارلیغی واری، وار ائدن، وار! یوخ یوخ، سنه یوخ دئمک، نه دشوار".
- "کیمسه سیزه م کیمسه م یوخدور هرکسین وار کیمسه سی کیمسه سیز قالدیم مدد قیل کیمسه سیزلر کیمسه سی".